

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

تسلیم رژیم به قطعنامه ۵۹۸ پیروزی بزرگ مردم

امروز دوشنبه ۲۷ تیرماه، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی اعلام شد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) با شور و شوق بسیار، در هم گسسته شدن مواضع جنگ افروزان سران رژیم، تسلیم آنان به راه و خواست خلق قهرمان ایران و گشوده شدن چشم انداز صلح میان ایران و عراق میبماند تبریک میگوید. اکنون پس از ۸ سال ادا نهاده شدن مواضع جنگ و شش سال پس از خروج قوای متجاوز عراقی از خاک میهن ما، پس از برپا شدن در فتن جان و بیش از یک میلیون انسان بیگناه از دوش کشور، پس از آنکه نیمه عبور دادن کودکان از زوری میدانهای مین و پس از آن همه سیمارانش و موشت زندهای جنون آمیز، پس از نزدیک شدن رژیم جنایتکار خمینی در برابر راه و خواست مردم رنج دیده ایران و عراق و همه محافل صلح طلب جهان، به پذیرش آتش بس بی قید و شرط گردن گذاشت. احساس تمام مردم ما، امروز از یک سو احساس شادی و سرور به خاطر گشوده شدن راه صلح و از سوی دیگر، احساس خشم و نفرت از رژیم به خاطر این همه درد و مصیبت بیپایانی است که به مردم تحمیل کرده است. مصائبی که با عقل سلیم و ذره ای احساس مسئولیت در برابر سرنوشت مردم و کشور، جلوگیری از آنها کاملاً امکان پذیر بود. اکنون سران رژیم با پدید آمدن دهکده گرا خون مدتها هزار جوان را بر خاک ریختند؟ چرا ۸ سال، بیپایان این جنگ را ادامه دادند؟ چرا یک سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ امتناع کردند؟

آنها که بزرگترین خیانت غیرقابل بخشش خمینی و همدستانش علیه مردم ایران است. مردم کسانی را که در تحمیل این فاجعه دردناک به کشور دست داشتند، هرگز نخواهند بخشود. مردم در شرف فتح شدن ایران! رژیم گریه مرز و بوم را نهترین وضعیت خود به قطعنامه آتش بس گردن گذاشته است، اما هنوز کلاً تسلیم خواست شما برای برقراری فوری صلح نشده است. هنیار با شیم و با اعمال فشار بیشتر مانع از آن شویم که این رژیم پلید و صدام جنایتکار با رادیکال و موشت و مخپاره را در نصیب شهرها و روستاهای زیبای و دکنور سازند.

فدائیان خلق ایران همچنان تا کید می کنند که شعرا صلح همچنان عمده ترین و میرم ترین شعار و خواست عموم مردم ما است. با پدیدگیری آن و تا به آخر در راه برقراری صلح کامل و پایداری در میان دو کشور بیگانه رکنیم. نباید اجازه دهیم رژیم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را وسیله ترمیم ما شین جنگی خود قرار دهد. باید بلافاصله آتش بس اعلام شود. با دیاست دفع الوقت که از جانب رژیم دنبال شده و می شود را افشا و رسوا کرد.

هم میماند عزیز! رژیم ولایت فقیر رژیم بدون آینده است. خمینی که این فلاکت اقتصادی و اجتماعی را بر سر مین ما مستولی کرده است، اکنون که راه گشودن را در پیش دارد، میگوید عمل خود را گردن نشناختی گرد آورد و بقای رژیمش را ممکن سازد. خمینی که عظیم ترین ثروت های ملی ما را در کشور جنایتکار سوزانید، اکنون از این روبه قطع جنگ تن داده که می بیند عدم قطع جنگ، هم در کشور ما و هم در جهان نیروهای با زهم وسیع تری را علیه آن بسیج میکند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) تا کید می کند که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم، یک پیروزی بزرگ برای مردم ما و همه نیروهای صلح دوست جهان، و یک عقب نشینی بزرگ در مقابل مردم زسوی رژیم است. باید این پیروزی بزرگ را جشن گرفت و آن را به هر مصلحتی نیرومند برای استقرار صلح پایدار و ادا هر یک از علایق این رژیم منفرود برای سرنگونی آن تبدیل کرد. ما در یک سال و نیم گذشته مکرراً تا کید کرده ایم بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

مردم ایران و عراق خواهان برقراری فوری وبدون قید و شرط آتش بس هستند

- \* مردم میهنمان تنها هم جنایتکارانه صدام به داخل مرزهای غربی کشور ما را با نفرت و انزجار می نگرند.
\* رژیم خمینی برای توجیه جنایات جنگی خود و صیاحا رخصم و نفرت مردم، از شرارت های جنگی صدام بهره می گیرد.

دیگر سران رژیم نیز برای تیرنه خود و پنهان کردن نتایج فاجعه بار تا خیریک ساله در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت میگویند از این شرارت ها به سود خود بهره بگیرند. آنها در تهاجمات شریرا نه صدام میبماند نه ما را جستجوی کنند تا بسا توشل بدن شمارتا زدهای از عزیزان شمارا در صلح جنگی که برای ما است، جنایتکارانه و به عیب اصرار ورزیدند، با زهم قربانی کنند و خشم و نفرت به حق شمارا نسبت به این واقعت که خمینی هشت سال تمام زهره کا متان ریخت، به سوی دیگری منحرف سازند. این ادا به جنایت آفرینی های هشت ساله سران دو رژیم است. بقیه در صفحه ۳

هم میماند! بر اثر تهاجمات جنایتکارانه رژیم صدام در داخل مرزهای غربی کشور ما و اقدام رژیم جنایتکار خمینی به بسیج و گسیل نیروهای تازه نفس به میدان های جنگ، شمار دیگری از مردم دو کشور همسایه ایران و عراق به خاک و خون در غلطیده اند. تهاجمات جنایتکارانه صدام که در جستجوی امتیاز و برتری در مذاکرات و نیز تحکیم موقعیت خود در عراق و جهان عرب است، پیروزی بزرگ شما در ادا رساندن خمینی جنگ طلب به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شوروی امنیت را در معرض خطر قرار می دهد. اکنون خمینی و

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

پیرامون جنایت بزرگ آمریکا در سرنگون کردن هوا پیمای مسافربری

ص ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

درباره اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

ص ۳

شتاب در تجدید رابطه با غرب

طی ماهی که گذشت، روند "عادی سازی" رابطه رژیم اسلامی با "دنیا" استیکار و شتاب با زهم بیشتری گرفت. رابطه با فرانسه و کانادا در سطح سفارت احیا شد و در رابطه با انگلیس، اگر چه موانع هنوز به طور کامل بر طرف نشده، اما ماگامهای جدی و موسری برداشته شده و با آمریکا نیز نسبت زمینه چینی های لازم برای رفع کدورت ها و اختلافات ادا م دارد.

سیاست خارجی همواره یکی از عرصه های و کشمکش میان جناح های حکومتی بوده است. زمانی وزیر خارجه با دورزدن نخست وزیر، با رئیس جمهور رابطه برقراری کرد و زمانی دیگر نخست وزیر با نشان دادن این میان و موافق و خود بر سر مال هوا پیمای، وزیر خارجه را دور می زد. گاه رئیس مجلس انقرا زد و دولت و وزارت خارجه پروا نمی کرد و گاه "بیت قائم مقام مرهبری" با پروبال دادن به "نهت ها" و شعار رابطه میان ملت ما اصل است، نه بین دولت ها، در کار دولت موش می داند.

در آغاز بهای یکنونه "تا هما هنگی" بهیای جنایتی داده نمی شد و قطب زده ها و محمد منتظر های هر گدا ما ز خود را می زدند. اما رفته رفته که توده های مردم به ما هیت رژیم فقها پی بردند و در نتیجه جنگ، عظمت طللی و شیکاری رفقا، اعتماد مردم نسبت به رژیم به تدریج زایل شد و بیحسبران سراپی "نظام" را فرار گرفت، داشتن حساب خرج و دخل یکدیگر از جمله درسیاست خارجی، اهمیت بیشتری یافت و سران رژیم نسبت به نا هما هنگی در این عرصه حساسیت بیشتری نشان دادند. علاوه بر این ها شدید و تحکیم جناح بندی در حکومت پدید آمدن توازن در میان جناح ها، آنها را به سوی "بارگبری" در عرصه بین المللی سوق داد و کار به جایی رسید که بقیه در ص ۲

اعتراف تلخ نراز زهر

تا کما می رژیم در بسیج و گسیل گسترده مردم به جبهه ها، شکست سیاست های جنگ طلبانه ما را جویا نه رژیم خمینی و بحران گسترده اقطاعی - اجتماعی و حکومتی، سرانجام سردیداران رژیم را وادار ساخت تا در ضعیف ترین موقعیت ها، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرند. خمینی که مسئول درجه اول ادا م این جنگ و کشتاری سابقه پیوسته است، طی پیامی که فقط سیاست های جنگی رژیم خود را اعلام داشت و برای حفظ جمهوری اسلامی و بسده خاطر "مصالح نظام" "تاج زهری" را که ما نا اعتراف تلخ به شکست و تسلیم در برابر راه مردم بود، سرگشید.

سیاست خارجی ارتجاعی رژیم خمینی که همه مناسبات و روابط بین المللی خود را در خدمت جنگ و در رابطه با جنگ تنظیم نموده بود، و سیاست های ما را جویا نه و شنج فریبی رژیم در سطح نارس که زمینه ساز طللی خورنظامی وسیع آمریکا و متحدانش در این منطقه گردید، جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان منزوی تر کرد.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب رژیم، با توجه به اینکه آتش بس فوری قطع جنگ در راس موارد است، با همه پیش شرط های خمینی برای ادامه جنگ مغایر بوده و در واقع شکستی برای سیاست های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی بود. واکنش جمهوری اسلامی در مقابل قطعنامه ۵۹۸ دفع الوقت بود. رژیم از یک سو پذیرش قطعنامه را مغایر با اهداف و سیاست های جنگی اعلام شده خود می دید، از سوی دیگر نمی توانست نسبت به افکار عمومی جهان، انزوا ی سیاسی و گاه حتی امکان نداشت تهیم سلاح، بی تفاوت یا ند. واقعیت آن است که در آن زمان هنوز سران جمهوری اسلامی امید خود را به دستیابی به اهداف جنگ به گونه ای که فا دریا شند، کشتار و رویرانی ناشی از جنگ افروزی خود را برای مردم توجیه کنند، اذ دست ندادند و بودند.

"ندا بیر" و چاره اندیشی های خمینی در ماه های اخیر، به ویژه انتخاب رفسنجانی به جا نشینی فرمانده کل قوا، از تصمیمات مهمی بوده که خمینی و همدستانش، از جمله، به منظور آماده سازی اوضاع برای حفظ رژیم پس از مرگ خمینی اتخاذ کردند. این تمهیدات با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و حرکت رژیم در جهت تعیین تکلیف جنگ از سوی سران

پیرامون نوزدهمین کنفرانس سراسری ج. ل. ا. ش. طراحى چهره نوین سوسیالیسم

ص ۹

در این شماره

- مروری بر فاجعه ۸ ساله جنگ ص ۵
زهری که خمینی یکام مردم ریخت ص ۶
انوش، در آخرین آورده گاه ص ۴
درباره تبلیغات (۷) ص ۷
کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی ص ۸
اجلاس مهم سران کشورهای عضو پیمان ورشو ص ۲



### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام ناجوانانمردانه گروهی دیگر از زندانیان سیاسی را با خشم و نفرت محکوم می کنیم

هم میهنان!  
در سرگناه ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با ردیگرهفت تن از فرزندان شما، قهرمان و دلوروشما را اعدام کرد. تاکنون نسنگام افتخار آفرین چهارتن از این شهیدان خلسلق معلوم شده است.  
فدائیان خلق، رفیق قهرمان فرامرز موفسی، از کادرهای برجسته سازمان ما، و رفقا سعید ذرینگ میا زربسا بقیه، مقاروم ثابت قدم، از کادرهای حزب توده ایران، کیومرث زرنشاس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، و نیز تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان اعدام شده گمان هستند. آنها سالها در اسارت جمهوری اسلامی بودند، شکنجه های وحشیانه رژیم را تحمل کردند و سرانجام در دره پیمان نیا شدند.  
رژیم جنایتکار خمینی که بحران تریس روزهای عمر خود را می گذراند، کجسرا نه و تبهکارانه از مردم انتقام می گیرد. سرانجام اینک جمهوری اسلامی بنا بر قیاس خوش کردن فریاد طلبی و

اعدا میزند انبیا سیاسی را محکوم کنید. اجازه ندهید تا جانبا نیا حاکم پیش از این خون فرزندان شما را بریزند. اجازه ندهید تا میهن پرستان و آزادیخواهان به شکنجه و تلافیه کشیده شوند.  
نیروهای مبارز و آزادیخواه!

علیه رژیم خمینی، علیه وحشیگری بی باقیه رژیم فقیها، برای نجات جان زندانیان سیاسی، برای دفاع از اهداف شریف و انسانی یا ران در بند خود، برای همکاری و همیاری با آزادیخواهان زندانیان سیاسی، برای بسج خلق علیه ترور و اختناق، متحد شویم. اقدامات مشترک را برای نجات جان زندانیان سیاسی با زمان دهیم.  
هم میهنان عزیز!

ایمان داریم که رژیم تبهکار جمهوری اسلامی با توسل به چنین جنایاتی قادر نیست بسر ارا ده مردم میهن ما غلبه کند. رژیم با جنا بیست و سفاکی های خود، مرگ خویش را نزدیک تر خواهد کرد.  
درویدیکران بر شهیدان خلسلق ننگ و نفرت بر جلادان حاکم بر ایران سرتگون با در زیم جنا یکتار جمهوری سلا می کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳۰ تیرماه ۱۳۶۷

آزادخواهی مردم، و برای رها نیدن گریبان خود از طوفان خشم خلق، به شهکار ریپای مذبحوحاشه متوسل شدند.

در شرایطی که خمینی جنگ طلب در مقابل اراده مردم به زانو افتاد و تسلیم شده، در شرایطی که سیاست های رژیم در همه عرصه ها با بن بست مواجه شده و میلگ تریس بحران ها گریبان او را گرفته است، خمینی و همدستانش برای حفظ رژیم خود پسه سرکوب شدت بخشیده و از زندانیان و اسیران انتقام می گیرند.

اعدام های گروهی میهن پرستان در بند و تدارک اعدام های مخفیانه گروه های دیگری از فرزندان دلوروشما مردم، نشانه وحشت این رژیم بی آینده از سر نوشت خویش است. آنها از انتقام مردم می ترسند. آنها از قهرمانان در بند که بر سر پیمان خود با مردم ایستاده اند، هراس دارند.  
هم میهنان!

اطلاعات دیگری حاکی از آن است که حکم اعدام ۵۵ تن دیگر از فرزندان دلوروشما ایران کتبت در سیه اچالهای جمهوری اسلامی به سر می برسد، در بیادگان های رژیم تاید شده است.

نگا به بسیاری از فرزندان اسیر شما در خطر جدی است. رژیم تبهکار خمینی قسر شده دارد زندانیان سیاسی را گروه گروه، بی سروصدا سر بسد نیست کند.  
علیه این تبهکار ریپا به یا خیزید، شکنجه و

از احساسات فدا میکانی مردم ایران برای اجرای برتا مهای خونخیزی شان هشدار می دهد. محکوم شناختن اقدام فدا نانی امریکا نمی تواند نوسیا بد برای سیاست های جنگ افروزان رژیم جنگ پرست خمینی که زمینه ساز حضور مداخله جویان امریکا و شرکای آنها در خلیج فارس بوده و هست، کمترین مشروعیتی ایجاد نکند.

هم میهنان!  
برای آنکه فاجعه تکان دهنده کشتار ۲۹۸ انسان بی گناه و تواجیح مشابه آن دیگری را تکرار نشود، باید صلح و امنیت به میهن ما، به مرزهای خشکی، آبی، هوایی کشورهای منطقه ای بین المللی خلیج فارس برگردانده شود. باید نیروهای تحلی و زنگار امریکا بی هیچ تعلل و عذری از خلیج فارس بیرون بروند و جنگ بی هیچ درنگی با بد قطع شود و مذاکره برای آتین صلح راه باید از رین دو کشور ایران و عراق آغاز گردد. راه حل دیگری از کشتار انسانهای بی دفاع و بی گناه، به اجرا درآسدن هر چه سریع تر قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است.

ننگ و نفرت بر امیرالیم جنایتکار امریکا سرگ بر جنگ، زنده باد صلح کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳ تیرماه ۱۳۶۷

ندارد. هدف امریکا از لشکر کشی به منطقه خلیج فارس صرفا تحقق اهداف تجاوزکارانه امیرالیم است. در این منطقه است. امریکای سیج محزونقانونی و با زیربنا نهادن هرگونه قوانین بین المللی، حضور تروریستی ررا هزنا نه خود و متحدین امیرالیم است. در خلیج فارس راه بیانه ادا ما جنگ ایران و عراق و شنج در خلیج فارس توجیه کرده می کند. رژیم جنگ افروزم جمهوری اسلامی در دادن بیانه سه دست امیرالیم ما هیتا متجاوز و زورما جرای امریکا، مسئولیت مستقیم دارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اقداما هزنا نه نا و گان دریائی امریکا در حمله به هوایی مسافری ایران! ایرا که به فاصله چند ساعت پس از وقوع این جنایت، برمسما از طرف رئیس جمهور امریکا مورد استیضاح قرار گرفت. یک جنایت بزرگ و کج عمل تجاوزکارانه امیرالیم امریکا علیه مردم ایران می نشاند. در همه دولت ها و محامع جهانی می خواهد که این اقدام جنایتکارانه غیر قابل توجیه را قاطعانه محکوم کنند و از دولت امریکای بخوا هند تا به لشکر کشی و راهزنی دریائی خلیج فارس با بیان داده و بی درنگ نیروهای دریائی خود را از ایسای خلیج فارس بیرون برد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اسرا زهمردی خود با هم وطنان شرافتمند، فریاد اعتراض را علیه ددمنش جنایتکاران امریکائی بلند می کند و در عین حال پیشا بیستی در مورد هرگونه سوء استفاده جنگ افروزان حاکم

نفت کش های جمهوری اسلامی جریان ارسال نفت ایران را مختل کرده بود. ۲ خرداد دوزیر دفاع عراق اعلام کرد، تصرف شلمچه، مهرا، دهلران، قصر شیرین و سومار، جزو اچهای مقدم ارتش این کشور است. ۴ خرداد شلمچه توسط عراق تصرف شد. دیگروشن شکر رژیم جمهوری اسلامی توان جنگیدن و ادا سه کشتار را از دست داده است. تلاش مذبحوحا نه و خونبار رژیم برای تصرف مجدد شلمچه پس از انتصا ب رفسنجانی به مقام جانشین فرماندهی کل قوا نیدر شکت خوردن توانایی رژیم را بیشتر نشان داد. گفتار پیرجماران اما هنوز دست از رویای سوم و خونین خود پیر نمیداشد. او در پیا مبه مجلس سوم زوزه کشید: "سروششت جنگ در جبهه ها تعیین می شود، نه پشت میز مذاکره". خمینی در عطش سوزان خلافت بر "بلادا سلام"، مذبحوحا نه نیروهای نظامی را قرا خنده هر چه زود تر دست به حمله بزنند، اما مبتکار عمل نه تنها در عرصه سیاسی بلکه در عرصه نظامی نیز دیگر به دست عراق افتاده بود، مجنون از تصرف قوای خمینی خارج شد، امریکا فاجعه سقوط هوا بیما ی مسافری را آفرید. فلاکت اقتصادی، انزوای سیاسی در جهان، خشم و نارضایتی مردم خسته از جنگ و کشتار، اعتراض گسترده جهان نیا ن علیه جنگ و جنگ افروزان و بالاخره شکست های بی درپی نظامی در جبهه ها، رژیم تبهکار خمینی را در زمانه مستاصل کرد.

خمینی جلادسی از ۸ ادا جنگ و خونریزی، در حوضی زونی و استیصال د برابر با ارا ده مردم زانودر آمد: "قطعه ما ۵۹۸ را می بذریم، هر چند که پذیرش آن چون نوزیدن زهار است.  
اما با این پذیرش، گلوئی خمینی از جنگ مردم را نخواهد شد، او یک جنا بیگنا رنجگی است و با بدیا سخ دهد: جنگ، کشتار و ویرانی جوا هفت سال ادا می یافت؟ برای اچ؟ □

مروزی پر... بقیه از صفحه ۵ به ایران شلیک کرد. ۱۲ اسفند وقتی کشتار در اوج بود، فدائیان خلق ضمن انتشار اطلاعیه ای تا کید کردند: "تنها راه جلوگیری از تکرار جنایت های جنگی، آتش بیسی بدون قید و شرط و اجرای قطعنامه ۵۹۸ است. اما رژیم در تبلیغات خود از سیاست جنگ تا پیروزی دست نکشید، دریا سخ به خواست صلح طلبانه مردم، خمینی گفت: "بجای قیل و قال، دعا کنید خمینی بمیرد." ۲۸ اردیبهشت عراق در تها حمله می خونین، با ورا تصرف کرد، بزرگ ترین شکست در جبهه ها، پس از سال ۶۰، بر رژیم خمینی وارد آمد. قبل از آن در ۲۴ اردیبهشت حمله سنگین عراق به

رژیم بحران زده ای که علیه غم فشا رهای بی شمار و سوء استفاده فراطی و عوام فریبانه از تضامیلات و سنت های مذهبی و میهن پرستان مردم، از "گرم، نگهداشتن تروجنک" تا امید شده و در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفت، اتخاذ شده است.

خمینی که حاضرا زهمه گفته ها و وعده های خود یکبار ه دست بشوید و آبرو با گفته به میدان توجیه جنایات خود بیاید، می خواهد تا رژیم ولایت فقیه ای را از خشم مردم زمانه دارد. مصلحتی که او از آن سخن می گوید، مصالح آخوندها و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است.

مردم صلح دوست و آزادیخواه میهن مسما از برقراری آتش بیس و قطع جنگ و استقرار صلح استقبال کرده می کنند. این خواست در سرنیسان آنها بوده است. مردم از جنگ و جنگ افروزان متنفذر بوده و هستند. آنها از زودا رنده که تنها در میهنشان صلح با پیدا ر استقرار یابد، بلکه ایران با یک گناه صلح و دوستی در منطقه باشد، و در این راه بیکیرو مصمم بیگاری کنند. □

### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون جنایت بزرگ آمریکا در سرنگون کردن هوا پیمای مسافری

هم میهنان!  
روز گذشته نا و گان دریائی امریکا در خلیج فارس طی اقدامی جنایتکارانه و راهزنا نه، بیگ فریاد هوا پیمای مسافری ایران ایرا که از فراز خلیج فارس می گذشت، مورد حمله موشکی قرار داد و آن را سرنگون کرد. این فاجعه محرابه مرگ قبیع همه ۲۹۸ نفر مسافر و خدمه این هوا پیمای مسافری گردید.

این جنایت تکان دهنده تمام مردم کشور را در ما تم عمیقی فرسود و نفرت و انزجار مردم ایران و همه شریک علیه امیرالیم متجاوز امریکارا برانگیخت. فاجعه حمله موشکی به هوا پیمای مسافری ایران ایتوسط نا و گان دریائی امریکا با ردیگر تاقاب از چهره کریمه امریکای جنایتکار برداشت و ددمنش آن را بیش از پیش به نما بیسی گذاشت. اقدام جنایتکارانه نا و گان دریائی امریکا که به مرگ ۲۹۸ نفر انسان بی گناه منجر شد، هم چنین نشان داد که لشکر کشی غیر قابل توجیه امیرالیم امریکا و شرکا به ایسای خلیج فارس که به بیانه دروغین تا مین امنیت در منطقه صورت گرفت، است. جز افزایش شنج و از بین بردن امنیت حداقل دریائی خلیج و آسمان آن، و کشتار انسانهای بی دفاع هیچ نتیجه دیگری نداشت. و

اعتراف تلخ تر... بقیه از صفحه اول جمهوری اسلامی شتاب گرفت. روشن بود که پس از خمینی هیچیک از همدستان جنایتکاران و از ترس مردم نمی توانستند گریبان خود را بهر احتی از جنگ تبهکارانه ای که همه سران جمهوری اسلامی و هر یک به سیم خود مسئول تهمداوم آن بوده و هستند، خلاص کنند. با بد خمینی این جام زهر را می نوشید و در زمان حیات خود، جنایات عبت تبهکارانه خود و رژیمش را توجیه می کرد. این مسرابسته موقعیت جانشینان وی را به قیامت قربانی شدن خود و بیپهودی بخشید.

خمینی در پیا مش که به بیانه از ما رسم حج و دوزا ق به خاطر توجیه پذیرش آتش بیس انتشار یافت، ما جزا نه و زیونا نه از مردم خواست تا آرا ما بشند و رژیم جنایتکاران را به خا طر کشتارهای تبهکارانه و بی حاصل و ویرانی های وحشتناک مورد مواخذه قرار ندهند. او گفت، نیرسید که: "نمسه خون ها و ایثارها و شهادت ها چه شد؟" او سر در مدار مقابل این پرسش درست که نشان می دهد جنایت و ویرانی چه بوده است؟ به "عوالم غیب" و اجسر اخروی و مغانع و آتشی با "فلسفه شهادت" حواله داد. او همانا گونه که تبهکارانه جنگی خا خا نسوز و ایران برپا دده را بی جون و چرا و بدون توجیه به مرگ یک میلیون انسان بی گناه، و برپا درفتن هستی مردم و اعتراف آنها، ادا مهاداد، اکنون باز قیامنا نه از مردم طلب می کند که "بدون جون و چرا و ویا بدو نیا بدها" به تممیم امروز او که "شخمینی مصلحت بوده است"، گردن نهند و نیرسند که مسئول این همه جنایت کیست؟ روشن است که معجز و تلافیه خلیفه جماران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط وی، نه نانی از فدییده شدن روح صلح طلبی برای و نه نانی از نلسوزی و اسرای جان و مال مردم و مصالح کشور است. این تممیم قبل از هر چیز به دلیل مصالح سیاسی رژیم اسلامی،

# انوش ، در آخرین آورده‌گاه

در این باره آخرین ، ۴ سال در انفرادی بوده است ، تنجای تنها . این بار دیگر تنهایی به پایان می رسد .

طول سلول انفرادی ، ۲/۵ قدم است . و در این فاصله و ، آرموسکیا رگامی زند ، آخرین ساعات ، آخرین دقیق و آخرین لحظه های زندگی . خسته است اما ملاتبی خواهد که این لحظه را به خواب بگذرانند . مغز با شتابی فرا ترا حتما دی مشغول به کار است . بر فراز قله ۴۰ سال زندگی و بیگانه گار جانانه ، روزهای خوب و شیرین ، و تلخا می‌ها ، استواری و افتخار دمی توقف می‌کند . نفس می‌گیرد . سینه خسته است از کوله بارهای سنگین و گردنه های نفس گیر .

تحمل کن . واپسین گامهای مردانه ات را بردار ، اینک قله زبیر پای تست ، قله عروج . لبخندی کرم گنم با گونه های که چشمش روک می خورند و چشمهای که آرمی بر هم می‌آیند کاسی از رفاهیت درون مردی است که همه سالهای عمر را در سخت ترین مهلکه را زنده است . روزها ، ماهها و ساعتها در درازا و شکنجه را تا آنکه مرگ کند کرده است تا آنجا که آدمی از هزار بار آرزوی ختم کاش دیگر جانی نداشت . سارا مرگ را تا دود می‌خویش با چشمهای دیده است ، آنجا که کهدیگر خوب می شناسد ، آنگونه که دیگر مرگ را هم می‌فهمد . ملائمت خوبیهای کرده است .

لحظه های با شکوه زندگی در برابرش می‌آیند . آن زمستان که از دریاچه کوچک زندان قصر ، میان موج خروشان انسانهای منتظر در میانه نگاه بزرگ جلوی زندان روی دستهای رفت . آنقدر فروتن است که اکنون هم از یاد آوری آن ، سر به زیر می‌افکند . روزهای بعد که با تندرسلسل و شست های گره گسوده مردم ، با روهای دشمن یکی پس از دیگری فرو می ریخت : فرج باد ، عزت آباد ، جمشیدیه و دردیبر هنگامی که کلانتری سوار . نفس عمیقی که می‌کشید با زهم سینه راه دردی آورد . لحظه ای می‌یستد و با هم در طول سالها به راه می‌آید . با دنیای که در این سالها رفتند و با دنیای که هنوز هستند . جقدر دلش می‌خواهد که حتی برای لحظه ای هم در غوشن بکشد .

و یاد آخرین روزهای آزادی . روزهایی که سناهای سنجش ، تنگی که همسایرکانی بود . روزهایی که فقط چند کلامش دلی آرام می‌گردد . روزهایی که کدیگر احساس می‌کردند در تنم هر لحظه جمع تری خود را می‌بینم . سرانجام آن روز ۲۷ مرداد ۶۲ که درجا دهالوس با یک لشکرکامیون و سواری و موتور سواری صحرای گسوده اندوسین آن روزهای بلند ، آن روزهایی که تنها که هر دقیقه اش هزار سال می نمود و وقتی که گذشت ، درست مثل یک کابوس تلخ بود . بوی بد رنگ خیالش به نخستین ملاقات با مادر . آخ که انوش این شیرین را حق در دست داشت و او جقدر رنجش را به دوش کشیده بود . هیچگاه نتوانسته بسود آنچه را که در قلمش دار دنیا اوباز گوید . کاش الان فقط دقیقه ای با زهم دیده ایش می‌آمد تا سر به بایستش نهد ، خود را که انداخته برایش آخریست لای لای را بخواند . تنهیب بر خود ، و خیال به سوسوی دخترش پرواز می‌کنند که کنون در آغوش خورشیدش ، همسرش میترا آمده است . ذوق می‌کنند و دلش پیر می‌گردد برای بوسه ای بر گونه های دخترش . بی اختیار " مرابوسون " از مزه می‌کند . تما و پیر در رفت و آمدند . در این ۵ سال فقط ۲ بار همسرش رفیق فدکا کارش را ازینست محفظه شیشه ای - با بیه قول بچه ها آکواریموم . ملاقات کرده است . از یاد آوری " آکواریموم " خنده اش می‌گیرد و از خنده ، سرفه ها می‌آیند .

تا سپیده هنوز ساعتی چند باقی مانده است . اسطوره با ردیگر پس از ۳۰ سال و پس از ۳۰۰۰ سال تکراری می‌شود . با ردیگر پهلوانی از لشکر ما را فرستاده اند تا با کمان و شمشیر آن مردهای سوزمین ما را ، فرخانی آزادی و شرف را معین کنند ، آن چنان که باید است . سپیده که بر آید ، بر سنج آسمان آسای البرز ، تیرجان را ، پهلوان پرتاب خواهد کرد .

شنبه ۷ خرداد ۱۳۶۷ . آنها که خبر سر را شنیده اند با دلهره و اضطراب سراغ روزنامه فروشی های روزنود در میان کارگروگان اطلاعیه دادستانی خبری می‌خوانند : ( انوشیروان لطفی . . . وینش گلخواه یثان را می فشارد . در زمان کوتاهی ، همه خبر شده اند ، خا لاهر کس که از او چیزی شنیده و یا حتی یک بار او را دیده است ، دندان خشمش در داغدار می‌نهد . یک به یک و سپس گروه گروه روانه خانه اش می‌شوند ، خانه ای کسسه

زندان اوین ، بند ۳ ، شاگه ۴ خرداد ۱۳۶۷ . وضع مثل روزهای دیگر نیست . از وقتی که نگهبانان وارد شدند بیرون رفت ، ابتدا سکوت شد ، سپس پیچیده ها و اینک همه . چیزی مثل دردهم گلخواه را نشنیده است . عصبانیه کشیده شده اند مثل سیم تارگی که آما دمه با آوردن است . جوانترها برایشان ننند . تلنگری کافی است تا حق در روشنای رایشونی و نگهبانان خشمشان را ببینند . اما آماش آن کسه در میان ایستاده است ، به هیچیک از این ها مجال بروز نمی‌دهد . خنده مهربان بر چهره آرام و دوست داشتنی اش مثل چشمه ای است که در بیابان زاری تشنه به راه می‌آید و هر آنچه رستی است و بسوی زندگی می‌دهد سیراب می‌کند . سر را به او می‌دهد . آرموز را به فردا و مرگ را به زندگی نویسی می‌دهد . آرموز که در میان ایستاده است را فرا خوانده اند تا به آرموز گاه هنر بردارن برود . گفته اند که لبها سپاسی را جمع کند و با آرموز را بدرود گوید که این داغ آخرین است . حکم اعدا را به او ، به انوشیروان لطفی ابلاغ کرده اند .

به نگهبانها که در دون بندری خود اندکی نظری نمی‌افکند ، آنگاه که نیستند ، آنها هم که سرخ " نظم " زندان را به دست دارند ، منتظر و مشوش محسوس و فرو خیزده ، نظراک انقار اسرود .

یا ران هم زنجیر ، یک به یک می‌آیند ، خود را در سینه فراخ و مردانه او را می‌کنند . لحظه ای مکث ، بوسه ای بر گونه های خون دیده او را به دیدگی سری می‌دهند . دستیهای پهلوانی او شانه های نسیان را نوازش می‌کنند .

نسیانی آرام که از یال های پلنگی جمال روان شده ، بدر در اوین می‌پیچد ، با میهای " اوین " را می‌ساید و دل به نجوا و همهمه بلنگهای اسیر می‌سپرد . نجواشی که در گفته رفتن سار می‌شود ، صدای انسان است ، صدای مدها انسان که آنگاه از یک گلو بر می‌آیند ، صدای که بی‌لرز است . سرود همبستگی است .

خبر به سرعت برق در همه جا پیچیده است : انوش را برای اعدام به انفرادی می‌برند ، و این را که برای اعدام می‌برند ، فاتح شکنجه گاه ها است ، قله فتح نام شده و این است ، کلید دار قلب میا زبیر در بند است . برادر ، دوست و رفیق همه هم زنجیران است .

سرود اسیران بر لبهای نسیم زدیوارهای اوین می‌گذرد ، نسیم نجواگر ، از غریب بلنگان ، از سرود نیرو می‌گیرد و به باد دمنده و غران بدل می‌شود . در برابر آستان ، درختان همه سرخم کرده اند ، با صدای باد ، درختان به همسراشی ، سرودی می‌خوانند . لحظه عزیمت است . صدای آرموسکی گرفتند

آن که در میان ایستاده است ، سکوت دوباره را به اتاق بازمی‌گرداند . حتی گنجشک ها هم گوشی ساکت شده اند تا آخرین کلماتش را بشنوند . تا لحظه زبردستی نیست ، اما کلمات این بار با روانی از گلویش بیرون می‌آیند . نیرویی که در این لحظه ها در جانش پدید آمده ، قدرت کلارا ده چندا کرده است . سراپای وجود آنها که می‌شوند ، گوش است ، همه کسانسی را که با هم بوده اند ، در برابر یک دژ خیم زنده اند . به اتحاد قوا می‌خواند ، بر میثاق همبستگی و یکپار مشترک به خاطر سعادت مردم و سر بلندی میهن یکپار می‌فشارد ، به نام مردم و برای آن که زندگی آزاد ، صلح میز و خوشبختی داشته باشند ، با هم با شید ، دست در دست هم ، با زود ربا و زود رفتنی و احدیش بروید و بداند که پیروزی از آن ما است ، زیرا که به پیروید راه حقیقت و عدالت می‌رویم .

درست ۱۳ سال پیش هم انوش را برای تیرباران بردند . آن زمان حبس سنگین ها و نامداران زندان ، در بند ۴ اوین جمع بودند و انوش را از همان جا برای دادگاه دوم به سوی جمشیدیه برده کردند .

بوی اومی دهد . رفت و آمد در سوسین خانه کوجه " نیرو " یک لحظه هم قطع نمی‌شود . تلفن یک لحظه هم آرام نمی‌گیرد . تا به پشت نامه ای رسد و حرف ها تنها بکسی است . انوش ، عزیز همه ما بود ، انوش تنها بکسی هزاران انوش ، در سراسر میهنش فرزندان ما درش هستند .

درون اتاق در دوسوی عکس بزرگ او ، ۲ گل سرخ را آویخته اند . چه آرامشی در نگاهش نیست است . چشمهایش با توخن می‌گویند . ما درش اکنون در میان ایستاده ، اما رخت عزابت نیست . ضبط صوتی که در گوشه اتاق روشن است ، نوازش ضبط شده از آدیورا تکراری می‌کند : " هم میهنان ، دلاور خلق ، فرزندان میهن ایران ، رفیق کبیر - انوشیروان لطفی به دست دژخیمان در رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به شهادت رسید " . جمعی که گسوده آمده ، سرودی می‌خواند ، همان سرودی را که به هنگام موداع ، با رانش در اوین خواندند . در خانه دیگر جانی نیست . از بیرو جوان می‌آیند ، لحظه ای در مقابل تصویرش می‌یستند با تنهایی حرف می‌زنند و با سکوت و احترام می‌گذرند . دسته های گل اطلسی را بوشانده است .

چشم گوش های رژیم در طرف خانه پرتاب شده می‌زنند ، از کینه دندان بر دندان می‌سایند ، اما مثل ابلهان فقط دهان گسوده و خیره مانده اند . مردم می‌آیند و سرودی می‌خوانند ، انوش به دستنشان خاشا نیند و پیرسوزدن ادامه می‌دهند .

از درون خانه ، نام شهیدان خلق یک به یک بر می‌آید و جمعی که در آن جا است به احترام ایشان درودی می‌فرستد . عده ای از کارگران پلکار ردی با خود آورده اند که جنین به برچم ایران با ستاره سرخی در میان آن است . عکس انوش در کنار برچم روی پارچه سفید شده است ، با دیدن برچم سرنگ ، چشمها پیر از آنک می‌شود . برچم سفیدی را گسوه ای از جوانها می‌آورند که روی آن به خط سرخ نوشته اند : " سرود روز به روز ، انوشیروان . اعلامیه های فدائیان خلق که با مردم ایران و همزمان انوش سخن گفته ، در شهر بخش می‌شوند .

خانواده های که از ملاقات فرزندان نشان در گهر دشت و قزلحصار آمده اند ، خبر می‌آورند که این روزها بچه های اسیران هر کدا ما به شاخه کل به شانه سه نفر تنه دیده ملاقات نشان آمده اند . به بستگان گفته اند که بروید به ما در انوش بگویید ما بیجانی را که با او ایستادیم به یاد داریم ، ما نامیم ، مقاومت می‌کنیم و از سر بیما نمی‌گذریم . همسرش بیجا مدها به بسود ، دست ما در را ببوسید ، دلدارش دهید و بگویید که همه ما فرزندان او هستیم ، راه قهرمان ما ادامه دارد .

گلستان خاوران بیابان نزاری است که در نگاه اول تنها بوته های خشکش را می‌بینی و جا به جا سنگهای که نشان از انسانی نهای خفاک خفته می‌دهد . نوزده دکه در بوته خاوران می‌پیچید ، ناله نیست . گوش دل که بسیاری ، نجوا است . ترانه است ، سرود است . گلستان خاوران را به چشم جان که سنگری گنج خانه ای است . خاوران نه فردا که امروز محراب شده است ، زیرا که خلسه ای می‌داند و مراد ریدها پیش را در این دشت ، در خاک کرده اند .

هفتمین روز شهادت انوش ، خاوران می‌دگاه هزاران عاشق است که نوای ترانه ها یشان در سراسر دشت طنین می‌آیند . مادران فدایی ، توده ای ، مجاهد و دیگر مبارزین خلق ، برای ادای احترام به قهرمانان ، امروز این جا جمع شده اند . مادران با دسته های گل ایستاده بر خاک انوش وسوس ، به خون خفته گان دیگران می‌روند . تنها لحظه ای به خود اجازه می‌دهند که سیلاب اشک را جاری کنند . اما دمی دیگر سرک از صورت می‌سازند ، سر را افراشته می‌گیرند و خون به دل می‌ریزند . آنها که این جا خفته اند چنین می‌خواهند ، نگذارید که دشمن ، شاد شود .

بالای یک سنگ ، ما داری مغرور ایستاده است . با دگوشه های روسری اش را مثل پرچی تکان می‌دهد . با نگاه و فرخند در چشمها می‌نگرد . چشمهایش قلب انسان را به دردمی آورد . سخن آغاز می‌کند ، اما بر زبانش تنها حرفهای ای که صدای همه فرزندان است ، این جا ، زیر خوارها خاک ، خفته اند جاری می‌شود : عزیزانم ، فرزندان ما همه به دست یک جلاور در راه یک آرمای کشته شده اند . نگذارید هیچ شگافی در میانمان باشد . بیاید در کنار هم و متحد با دشمن مردم جنگیم . بیام جگر گوشه های ما در لحظه های تیرباران اتحاد بدو یکا کسبی .

دست ما در هم گره می‌خورد ، قلبها با هم یکی است . با زهم صدای مدها نفرکه نگار از یک گلسو بیرون می‌آید . این جا که این سرود خوانندگان ایستاده اند ، کنار انوشیروان لطفی و چند تنم آن سوتر حاجت محدود و در کنارش ابوالفضل پورحجیب و کمی دوتر سعید سلطا نیوراست . سرود اتحاد ، دشت خاوران را در می‌نوردد . نسیم بیساری سرودشان را بر با مفلات پهنان و رمان می‌گسترند .



خیمینی ۸ سال جنگید ، ۸ سال جنگ راستود ، ۸ سال هرج و مرج و ظهور و سقوط سرست از این "تعصبات آسمانی" در خون مردم ایران و وضو گرفت و به نیا پیش غریب جنگ ایستاد ، تا آنجا که می‌توانست ، تا آنجا که توان داشت ، و تا آنجا که مجبور شد "چازم‌نشر" را سرکشده و تئوسین برضا بیاورد ، دیگر از نفس افتاده بود ، نه اینکه نمی‌خواست بجنگد ، دیگر نمی‌توانست ، در این ۸ سال ، فرصت‌های بزرگی برای صلح شرافتمندانه از دست رفت . در این ۸ سال ، هر روز مردم قربانی جنون جنگ و کشتار شدند . این ۸ سال فرا موش شدنی نیست و نیا پسند فرا موش شود . هر سال و هر ماه و هر روزش گواهی است بر محکومیت رژیم جنایتکار و فاشیستی که خلقی را قربانی اهداف پلید و هیستریک خود ساخت ، و خیمینی ، جنایتکار و رهبر جنگی ، به‌خاک بر همه این مما شب با بیدیه مردم پاسخ دهد .

۳۱ شهریور ۵۹ ، پس از ماه‌ها تشنج ، تحریک و درگیری مرزی دو جانبه ، ارتش عراق تعرض گسترده خود به کشور ما را آغاز کرد و با استناد به ازبیم‌بختگی و ناآمانی رژیم خیمینی و نیروهای مسلح آن ، به سرعت بخشهای وسیعی از خوزستان و کرمانشاهان را اشغال کرد ، هدف ، پیروزی برقی آما و تنگیل "خوزستان آزاد" بود . اما این توطئه هرگز نتوانست تحقق نیافت .

درست یک سال بعد ، شرایط جبهه‌ها عوض شد . ۵ مهر ۶۰ با عملیات "ثامن الائمه" محاصره آبادان در هم شکست . عملیات "مطلع الفجر" در آذر ماه ۶۰ و "مولای متقیان" در اسفند همان سال ارتش عراق را با شکستهای سنگینی مواجه ساخت . عید سال ۶۱ در جریان حمله "فتیما لمبین" منطقه غرب شوش و دزفول آزاد شد . ۱۵ اردیبهشت ۶۱ ، در عملیات سنگین "بیت المقدس" خرمشهر را تصرف نیروهای اشغالگر عراقی خارج شد و آزاد گردید . با آزادی خرمشهر ، بهترین شرایط و مساعده‌ترین امکانات برای برقراری صلح فراهم شد . یک ماه پس از شکست در خرمشهر ، شورای فرماندهی عراق پیشنهاد آتش بس داد . اما رژیم خیمینی سر مست ازباده پیروزی ، چم به بصره و بغداد دوخته بود . پس از شکست محاصره آبادان ، رژیم خیمینی به تدریج تمام یلالت تجا و زگرانه خود را آشکار ساخت . در ۱۳ دی ماه ۶۰ ، رفسنجانی اعلام کرد : "اگر ضرورت اجاب کند ، وارد خاک عراق خواهیم شد" .

با هدف فتح بغداد ، خیمینی و رژیمش همه تلاش‌های صلح طلبانه را عقیم گذاشتند . ۱۸ خرداد ۶۱ در آستانه حلس شورای امنیت رفسنجانی اعلام کرد : "آنها مختار اند که هر کاری می‌خواهند بکنند ، بگذارد شورای امنیت آبروی خود را بنبرد" . به دنبال تصویب قطعنامه شورای امنیت موراد آتش بس نیز ، موسوی نخست وزیر در ۲۳ خرداد ۶۱ گفت : "اگر شورای امنیت ۱۵ قطعنامه دیگر هم صادر کند ، حقوق حقه خود دست بر نمی‌داریم" .

۱۰ روز بعد ، رژیم تجا چم خونین تازه ای به نام رضای را آغاز کرد ، هدف این تجا چم خونین به خاک عراق بود به طرز آن هزاران نفر دیگر به خون کشیده شدند ، خیمینی جنایتکار ، دبا و نه او را براد ، هم جنگ و قصابی پای می‌فرشد . پس از عملیات "والفجر ۳۰۳" که به آغاز سازی مهران منجر شد ، در دوم شهریور ماه او کف بر لب فریاد آورد ، "ما می‌خواهیم همه حکم اسلام را از او انتقام بگیریم . ما می‌خواهیم قصابی کنیم . . . یک همچون موجودی دیگر گنبا بدرد دنیا باقی نماند" .

هشت روز بعد ، کفتر پیروچماران حضور در جبهه‌ها را "واجب شرعی" اعلام کرد و ضرورتی به مناسبت سالگرد جنگ ، با عطشی آکنده از جنون جنایت ، اعلام داشت : "شما اگر کشیدید آنها را به پیش می‌روید و اگر نپسندید شما را بکشند ، شما به پیش می‌روید" . خیمینی تا کید کرد : "حتی اگر کار به جایی برسد که همه به شهادت برسند ، یک گام به عقب بر نخواهیم داشت" .

جوانان وحشی کودکان ، گروه گروه به کشتارگاه‌ها گسیل شدند . ۹ مرد ۶۱ وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد : ۵۳ تا ۵۷ درصد دانش آموزان در جبهه‌ها هستند ، بنا به آمار منتشره از صلیب سرخ در ۲۴ تیرماه ۶۲ ، از ۷۲۰۰۰ اسیر ایرانی ، ۵۰۰۰ نفر آزادگمتر از ۱۵ سال داشته اند و ۵۰۰۰ نفر زیر ۱۵ سال بوده اند .

در فاصله این ، و آذین رژیم تجا چم تا تازه ای به نام "مسلمین عقیل" ، محرم و "الفجر ۴" دست زد . در تجا چم خونین و "الفجر ۴" هزاران تن کشته شدند . خبرگزاریهای غربی تلفات ایران را ۳۰ هزار نفر اعلام کردند ، هدف این عملیات ، نه "دفع تجاوز" که تجا و زب خاک عراق بود ، هر حمله ما ، با کشتار بزرگ ترونتا یج ناچیز تر مواجه می‌شد . جنسک در جبهه‌ها به بن بست رسیده بود ، رژیم می‌خواست با تبلیغات پیرامون پیروزی قریب الوقوع ، واقعیت دست بن بست جنگ را از چشم مردم پوشیده دارد و آنها را به آدا مه جنگ تشویق کند . دوم شهریور ۶۲ رفسنجانی گفت : "من به شدت این حرف‌ها را امیرالایست‌ها را که می‌گویند راه حل نظامی برای جنگ وجود ندارد ، در تگذاری می‌کنم و مدعی هستم که راه حل نظامی وجود دارد" . او قیقا نه اعلام داشت "این ما هستیم کسسه

### برای آنکه فراموش نشود

## مروری بر فاجعه ۸ ساله جنگ

در مورد آینده عراق تصمیم می‌گیریم .

در پایان سال ۱۳۵۷ پس از یک دوره طولانی بسیج نیرو ، رژیم تجا چم تا بزرگ و خونین و "الفجر ۵" و ۶ را که به گفته موسوی اردبیلی می‌بایست کار جنگ را یک سر کند ، آغاز کرد . این تجا چم تا با کشتار بی سابقه نیروهای ایرانی همراه بود و تنها به سه فتح جزایر محزون انجامید . ۱۰ اسفند ۶۲ خیمینی جنایتکار ، عرصه هجویا نه با یک برداشت که "صدام رفتنی است و نه آمریکا می‌تواند نگاهش را در دو نسه دیگران" ، او چند روز بعد را در هرگونه حرکت در جهت صلح گفت : "اگر نتوانیم به پیشنها صلح را قبول کنیم و به پیشنیست میز می‌دهد ، ما یک طرفش نشسته ، آقای رئیس جمهور ما هم یک طرفش نشسته ، دنیا به ما چه می‌گوید ، این با عزت اسلام نمی‌آید" .

سال ۶۲ به پایان رسید و صدام "ترفت" . جنگ به سال نو کشیده شد . سران رژیم در پیا می‌توانستند خود کوشیدند در مخته ، جنگ را با امداد بیگانه سال ۶۳ سال پیروزی نهائی است سرگرم کنند ، کمیته مرکزی سازمان در پیا منوروزی خود من انشای دروغ‌های رژیم را هم بر ما ، حجاب با زمان نهائی مترقی خواست مبارزه برای صلح را گسترش دهند .

از خرداد ماه ، فشار به مشمولین تشدید شد . رژیم می‌خواستد فرار از سرپا زنی ، یکی از بزرگترین مظا هر مخالفت مردم با جنگ را ، که هر روز گسترده تر می‌شد ، با سرکوب و فشارها رکنند ، در این مساه قانون خدمت وظیفه عمومی به اجرا در آمد و در پیا ماه نیتزلی دوره سرپا زنی درسیا برای بسیجی‌ها اجباری شد .

در پیا ۶۳ به دنبال بمباران وحشیانه شهرها و حمله به نقاط بسکونی ، با میا نخی گری سازمان ملل متحد ، دور رژیم تعدیکر دند که از حمله به نقاط بسکونی خودداری کند ، ندا شد ، خلق ملی اعلامیه ای به تاریخ ۲۴ خرداد ۶۳ از این توافق استقبال کرده و خواهان تبدیل آن به آتش بس کامل و صلح میان دو کشور شد . خیمینی در پاسخ به سخاوت صلح گفت : "عزت و شرف ما در گرو این جنگ است" .

به دنبال اورسنجانی نیتز تا کید کرد : "جنگ هستی ما است" . وی در دوم شهریور با نیا رویگر جنگ طلبی رژیم انگشت نهاده اعلام داشت : "جنگ فقط موقعی با این بسیدای کند که صدام و حزب بعثت از عراق کنده شده باشند و مردم عراق آزاده باشند" .

با نزدیک شدن پیا با سال با دیگر آتش جنگ شعله کشید . ۱۳ اسفند ۶۳ جنگ خونین شهرها بسا نفی قرارداد ۱۲ ژوئن ۸۴ آغاز شد و پیش از یک ماه یعنی تا ۱۷ فروردین سال بعد طول کشید . هزاران تن از مردم غیر نظامی قربانی مسابقه مرگبار خیمینی و صدام شدند . تنها در ایران ۵۵۰۰ نفر کشته و ۲۵ هزار نفر مجروح شدند . ۲۱ اسفند ، بسا پیا خیمینی عملیات "بدر" را در محبوره و هویر آغاز کردند ، رژیم با تبلیغات کرکننده ، خبر سر از "پیروزی نهائی" داد . گفتند : "اکنون در آستانه فرارسیدن همان موقع مقتضی قرارداد یکمیکه پیا بد کار صدام می‌گردد" . روزنامه‌ها تیتیزرند : "بغداد در انتظار رضیه نهائی" . اما عملیات بدر با کشتار وحشتناکی همراه شد . ۱۵ هزار جوان ایرانی قتل عام شدند ، رژیم در تجا چم خونین خود شکست خورد و بن بست جنگ آشکار تر گردید .

ایران غرق در آتش و خون وارد سال ۶۴ شد . شکست بردگان سنگین بود که خیمینی مجبور شد در پیا منوروزی خودگوید : "مهم نیست شکست بخوریم مهم این است که وظیفه خود را انجام دهیم" . او کوشید به پیا نه جنگ ، گرانی و فقر را توجیه کند : "ملتی که برای شهادت می‌رود از این که فلان چیز کم است نمی‌تواند . . . ملتی این طور دیگر به دنبال آسایش نیست که گوشه نشینی از آن است با گران" . زحمتکشان کوی ۱۳ آبان تهران با تظا هرات گسترده خود در ۲۱ فروردین به جنگ طلبی و سخنان ارتجا عسی خیمینی پاسخ دادند .

در آج جنگ شهرها ، دبیرکل سازمان ملل برای جستجوی راه قطع جنگ تهران و بغداد دستبر کرد ، با سخ رژیم همان بود که انتظار می‌رفت : "جنگ تا پیروزی" . در مراسم ۱۲ فروردین تا کید شد : "جنگ تا سرنگونی صدام آدا مه خواهد داشت" . خیمینی ۱۵ فروردین سخنرانی کرد و گفت : "جنگ اس اس ایدولوژی جمهوری اسلامی است" . با رشد نا رضایتی مردم و به ویژه تظا هرات زحمتکشان کوی ۱۳ آبان سران رژیم به میدتریب مردم ، تبلیغات کرکننده خود را در مورد "پیروزی نهائی" تشدید کردند . خیمینی : "ما تا به آخر پیا قاری می‌کنیم" . رفسنجانی : "ضربه قاطع زده می‌شود" . صیاد شیرازی : "سروش جنگ به زودی شخصی می‌شود" . خیمینی : مردم لرفدا ر جنگ هستند" . سازمان ما با تجا چم صدام دروغگوئی‌های رژیم را افشا کرد و اعلام داشت : پیروزی نهائی سراب است . وجه راه حل نظامی

تظا هرات زدند .

۵ خرداد پس از رد پیشنها عراق در مورد آتش بس در ماه رمضان ، جنگ شهرها از سر گرفته شد و ۲۵ روز آدا مه یافت . موسوی نخست وزیر ، فا شیمت ما با نه اعلام کرد ، جمهوری اسلامی آما دگسی دارد . دوم جمعیت عراق را مورد حمله موشکی قرار دهند . ۲۱ خرداد در حالیکه تهران غرق در آتش و خون بود ، بصره با روزی ۲۰۰ گلوله توپ ویران می‌شد ، نخست وزیر خیمینی اعلام داشت : اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد ، جمهوری اسلامی آن را آدا مه خواهد داد .

در آستانه جنگ نفت کش‌ها و حملات عراقی به خارک شدت گرفت . جمهوری اسلامی به چندین عملیات با نا ماهای ظفر و قفس دست زد که همه نا فرجا موتا کام ماند .

با نیتز به دنبال فرمان خیمینی برای آدا مه بسیج ، بگرو بیست جوانان برای سازماندهی کاروانهای کربلا شدت گرفت ، رژیم به دنبسال جمع آوری نیرو برای حملات بزرگ تا زه بود . ۲۳ سپهر بخشنا مه نخست وزیر اعلام کرد که بجای ۲٪ سابق باید ۱۰٪ کارکنان واحدهای تولیدی به جبهه‌ها اعزام شوند . او اسط دی ما هاندا ر مری کلیسیه نیروهای انظامی را موظف به شنا سائی و دستگیری مشمولین غایب ساخت . در آستانه عملیات خونین "والفجر ۴" ، تبلیغات جنگ طلبانه شدت گرفت .

۲۰ خیمینی تاجم "والفجر ۴" آغاز شد . بسا هیان بجهت قنای او تصرف کرده و به سوی بصره به حرکت درآمدند . ۵ اسفند تجا چم "والفجر ۹" در منطقه سلیمانیه آغاز کرد . دشت‌های جنوب عراق در خون شد . ۱۰ اسفند رفسنجانی با لذتی سادستی از کشتار جوانان عراقی سخن گفت : "آنها همگی زدم درومی شوند" . او تا کید کرد که "جبهه‌ها نیا بسند آرا می‌گیرند" . جمهوری اسلامی درخواست سازمان ملل برای صلح رد کرد . کمیته مرکزی سازمان مساعده اطلاعاتیه ای حمله جنایتکارانه به قنای ورا محکم کرد و در آج فریادهای ناشی از پیروزی اعلام کرد : "این تجا چم بسا هیان خیمینی نیز هیچ نتیجه ای جز خون ریزی بیشتر و تنگ بیشتر برای خیمینی و سوسی و آخونده‌ها حا کم نخواهد داشت" . فا و به قیمت قتل عام ۵۰ هزار جوان ایرانی و ۱۵ هزار سرباز عراقی به تصرف خیمینی درآمد .

در آغاز سال ۶۵ ، خیمینی فرمان آدا مه تشدید جنگ را صادر کرد ، او گفت : "ما تا این حزب علفقی دسه جنگ خواهیم کرد" . وی به همه جوانان دستور داد به جبهه بروند ، به دنبال فرمان بسیج خیمینی ، موسوی اعلام کرد : سال ۶۵ همه چیز در خدمت جنگ خواهد بود . تلالس جنون آمیز برای بسیج نیرو آغاز شد . دا شنگا هان نیمه تعطیل شدند ، اعزام دانشجوین و دانش آموزان اجباری شد . وزیر آموزش و پرورش آموزش نظامی را برای یک میلیون دانش آموز اجباری کرد . روز ۱۸ خرداد و آرا ما دگی کرد که ۵۰ هزار دانش آموز را مورزا به قتلگاه می‌فرستاد . ۵ اردیبهشت ، نخست وزیر آموزش نظامی را برای کارکنان دولت اجباری کرد "نهمیه" رفسنجانی برای اعزام به جبهه از ۱۰٪ به ۲۰٪ رسانید . رفسنجانی فرمان جلب مشمولین فراری را داد . ۱۱ خرداد ، ۲۰ به خدمت بسرای افزوده شد . برآی بسا فرمانده بسا به نقشه رژیم برای اعزام یک میلیون نفر به جبهه را فاش کرد . در نما جمعه ۴ خرداد ، خاندانه ای اعلام کرد : بسیج نیرو برای بگردد جنگ است . ۲۹ خرداد شورای عالی سیاسی دولت لزوم اردگسردن "ضربه نهائی" را اعلام نمود . ۱۱ تیر عملیات "کربلا ۱" آغاز شد . جمهوری اسلامی شهرمهران را مجددا تصرف کرد . در این حمله ۱۰ هزار ایرانی و ۸ هزار عراقی کشته و مجروح شدند ، اما کار جنگ بگردد نشد . چند روز بعد عده‌ها دوباره آغاز شدند . رفیق دوست اعلام کرد : "تجا چم عی به زودی آغاز می‌شود" . دهم و با زدهم شهریور عملیات "کربلاهای ۳ و ۴" در منطقه حاجی عمران با برجای گذاردن هزاران کشته‌ی نتیجه ما تده .

در کنار بسیج جنون آمیز ، کارزار جبهه‌های برای جلوگیری از گسترش بزرگ تشدید شد . در شهریور ۶۵ هشتمین اطلاع سران غیر متعهد در مهران خاها ن قطع جنگ شد . ۳۱ شهریور با زدهم کنگره جهانی سندیکا ها از سوی میلیون ها کارگر جهان ، دو رژیم را به صلح دعوت کرد . او اسط مهر شورای امنیت یک بار دیگر طرفین را به قطع فوری جنگ فرا خواند . کمیته مرکزی سازمان ملی اعلامیه ای در مهرماه مردم را خطاب قرار داد : "ز قتل عام جدید جلوگیری کنیم" . سازمان نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاد و نسبت به خطر یک کشتار بزرگ هشدار داد .

رژیم پیا اعتنا به فراخوان‌های صلح ، به بسیج آدا مه داد . در نیمه آدا مه بسا هیان ۱۰۰ هزار نفری محمد به جبهه‌ها اعزام شدند . ۴ دی ۱۳۶۵ ، پس از یک تدارک ۹ ماهه ، تجا چم خونین "کربلا ۴" و سپس در ۱۹ دی عملیات "کربلا ۵" آغاز شد . هدف فتح بصره بود . ۲۶ دی ما رفسنجانی گفت : "در این جا سروشت نهایی جنگ تعیین می‌شود" ، نبردهای

### زهری که خمینی بکام مردم ریخت

دراوج موشک باران جنايتکارانه تهـران، بـيرکفـتا رجمـان زوزنه کنـيد: "مردمـها بـين موشکـها مـي خنـدند". پاـسـخ ديکتـا تورجمـان را با پاـسـخ ازبـان خودمردم شنيد، پاـسخـي که نشـا نگر در پـاسـخ عميقي است که بـه بـين خميني و مردم وجود دارد. آنچه که در زمين خوانيد نمونه اي است از دهها نامه اي که در جريان بمباران وحشيا نه شوهرها براي نـشريه کارفرستاده شد، و اين نامه ها تنها قطـره اي است از درياي رنج و اندوهي که مردم ايران را طـي هشت سال جنگ جنايتکارانه در خود غرق کرد. سـطـر سطر اين نامه ها سند محکوميت خميني است. نشـانـگر در درونجـي است که اـين جنايتکار رنجگـي بـراي مردم ميهمان ما به همراه آورد. در درونجـي که هرگز فراموش نخواهد شد، در درونجـي که مردم برخميني و رژيم خونخوارش نخواهند بخشيد.

اروميه \* بهمن ماه ۶۵: "همه چيز طـي دوروز متوالي اتفاق افتاد، شنبه دوشنبه. و هر دوسـر يـک ساعت معين. صبح ساعت ده و بـيـست دقيقه. روز اول بمباران نشـيـر کردند. چـتـعـدا دهـوا بـيـمـا بـودنـتـسـد، معلوم نشد. ولي آنها را همه دیده بودند. در شمال و جنوب، دريائين و بالاي شهر. هر جا جمعيت بود آنها نيز بودند... و عقربت مرگ بود در نـيـسـات هـوا بـيـمـا هـا بـر فـرا شـهر. بـمـب ها بـر بـه هـر کـجـا خـورد و بـيـران کـرد، بـيـگـرد و کـودک خـرد سـال چـان مـتـلـاشـي شـده بود که پدرشان بـيـکـسـر بـه دسـت گـرفته بود و قطعـسـات بـدن آنها را از بـيـان سـايرين جـمـعـا و رـي مـي کـرد. در دبـيـر سـتان از خـتـرانـه (شا هـدخت سـاـبـق) در انـتـهـاي کـوجـه مـنـوجـهـري هـنگـا مـي کـهـا نشـا مـوزان در کـلـان مـنـقـول در شـي بـودنـد، مـور دما بـت بـيـمـا ران قـرا رگـرفـتـند، دما نشـا مـوزان دوطبقه که بـمـب بـه آنـجـا اـمـا بـت کـرده بود، بـيـک جـا کـشـتـه شـدند. هـوا بـيـمـا هـا علاوه بر بـيـمـا ران، هـجـو حـيـن را از فـا طـلـه نـزديک بـه رگـبا رگـلـو بـه سـنـدند. شا يـد فـي قـطـ روضه خـوان نـسـاـغ روضان (قبرستان شهر) بـدا نـد که بـر جـتـعـبـد اـز داتـشـا مـوزان اـين مـدرسه نمازگزارده است... بار دوم، بـيـک روز بـيـمـا ران بـيـمـا ران اول، بـمـب افـکن هـا يـک يـا ديگـر اـمـدند. دوشنبه صبح. وهـما ن ساعت قبـلـي، مـيـدان سـنـتـکـده شـهـريـي دـفاع اسـت. اـمـدند با شـيـن و از بـيـان تـرود بـيـک چـنـم بـه رهمـ زدن جـوي خـون بـر کـف زمين جـا رـي شـو شـيـون مـردم سـيـنه اسـان را در بـيـدند، اـين با رهمـبـا ران کـردند و هم رگـبا رگـلـو سـلسـل بـودند. چـان آسـوده خـا طـر بـودنـد که انگار در درشتي هـوا ربه درون شـسته اند. مردم در ما تـده شده بـودند. بـه کـجـا پـناه بـيـرند؟ ما دري بـراي آنـکه جـان بـجـاه شـا رانـجـات دـهد، او را روي کـف زمين

خوابانده و خودروئي او را زکشته بود. با انا بست اولين ترکش هاي راکت، بيگرهرود درخسون غلتيد، و چنين بود که کشته ها، بسته شدند. ميگويند چون نتوانستند ادهمه کشته ها را خاک کنند، آنها را کتا دريا چنگه ها شده اند. هنوز هم رقي نيست که در آن روزهاي سايه و خوين چه تعداد کشته شدند. ميگويند: هزار نفر. ميگويند ده هزار نفر و... هر چه هست، چنان است که در شهرها بـري به چشم خورد با زمانه ننگان از شهر خراج شده اند...  
بهمن ۶۵. تبريز: "شهر مضطرب و نگران است، ترس و دلهره از بمباران شهر، آسي اما ن نمي دهد. چرا ترس نباشد، جايي که کودک شيرخوا ربا آشوش مادرش دروشن کوجه" درخون مي غلظد و قبيل از اينکده ها نش بهستان ما درش برسد، "بمب" هر دورا جز غا لمي کند، جايي که. عده کثيري از اناوها در بيمارستان نشا در اناها بـت بـمـب بـه اطـراف بيمارستان از شدت ترس سکنه مي کشند و مي ميرند، جايي که ما شين مملوا زکا رگنا و وگا رگنا ن شرکت ايدم، هنگام با زکشت اناها ر هـدف بـيـمـا ران قـرار مـي گـيرنـد و هـمـه مـي جـا کـشـتـه مـي شـوند... جـرا دـلـهـره نـبـاشـد بـر اـمـر اـي داني جنگ يعني چه. هر لحظه، آري هر لحظه انتظار را در بيم صف خانه نشا نشه و بـيـک بـمـب و اـر داتـا ق شـود...  
دروديو و کوچ و وين کوچ هـا ي شـهـر و کـويـسـک هـا ي تلفـن بـرا زـنـفـا ر عليـه جـو سـت اسـت. مردم مي گویند و آنان با يک مي کنند. آنها ترسيل جنگ مي کوبند. مردم نيز پاـسـخ مـي دهنـد: ما صلح مي خواهيم..."

سنندج دي ماه ۶۵: "اولين حمله هوايي عراق به شهر سنندج در آخريين دور جنگ شهرها، در ساعت ۴ بعد از ظهر روز يكشنبه ۲۸ ديماه صورت گرفت. مردم قـرمـي کـردنـد چـون چـنـدين سـال اسـت که با رژيم جنايتکار خميني مستقيما درگير مـسـا رزه شده و در فرزندانشان در کوه به سر مي برند، با اين دليل عراق ي ها از بـيـمـا ران شـر خـود ر ا ي خـوا نـند کرد. مردم اناها کثرا براي تماشا ي هوا بيمـا هـا ي عراق ي به پشت پاها رفتند. بـودنـد. اـين با عراق ي ها برخلاف ذهنيت مردم بنقظ زيادي از مناطق با بين شـيـر را در هم کوبيدند. بعد از هـا نـفـجـا ر ي که با فاعله کمی مورت مي گرفت، خود عظمي اناها در و گـرد و غـيـر هـم چـون قـا رچ بـه هـوا بـري مـا سـت. عراق ي ها دسـت بـرا داز نـبـودنـد. بعد از مدتي که نقاط فـيـر نشـيـن و بـيـر جمعيت شهر اناها ران کردند، با خيال آسوده آسمان سنندج را ترک کردند...  
در خـيـا ن اـنـگـيـا شـا ي که بـيـمـب بـت بـمـب، مـزدوران آن در ميدان با بين شـيـر اناها بـيـن کـرده بـود، مـزدوران رژيم نتوانستند بـودنـد از هـجـوم مردم بـه مـحل بـيـمـا ران جلوتگيري کنند... مزدوران رژيم در اين محل از ترس ختم مردم صلاح ديده بودند که محل را ترک کنند. در اين محل از همه جا فـريـا د مـرگ بـر خـمـينـد... سـي

برمي خاست...  
تهران اسفندماه ۶۶. ازنا ميهيک  
دا نشا آموز: "دو باره آمدند. شب ساعت ۹ صـدا ي هـوا بـيـمـا شـنيديم. هـمگـي دـو بـيـمـا د خـل اشـيا ر ي، حـدود يـک دقـيـقه را مـسـود. بـعد هـي صـدا ي بـمـب آـمـد. خـانـه تـگان ي خود رو و طـو عـقـب مـي رـفت. زري خـيـلـي گـريـه مـي کـرد. صـدا ي هـوا بـيـمـا هـا را خـوب شـنيديم. بـعد از اـين که بـمـب مـي نـدا خـنـدند و فـع قـرمـز مـي زدنـد. وقتي که گفتند در وضعیت سفيدستيم ازنا ر ي، خـا رچ شـديـم. صـدا ي بـمـب (... هـمـيـن الـان دـو بـار مـوشک زدنـد و دـو بـار هـنـزديک خـانـه ما ن بـود، و خـانـه هـمـا و شـيـتـه هـا خـيـل لـر زيدنـد و مـن خـيـل گـريـه کـردم. بـيـک دـفـعـه خـود کـا ر را از تـرس بـرت کـردم) ديگـر هـمـه چـيـز ا دم رفتـه و ا حـسا سـي مـي کـنـم مـوشک در راه است و وقتي مـي خـوا بـيـمـا خـل مـي کـنـم سـقـف دا ر ه روي سـر مـان با بـيـن مـي آيد. هـمـيـنـطـور ي مـوشک مـي آيد: مـدرسه شـرف، حـيا بان سينا و چنـدا ي ديگـر..."

تهران اسفند ۶۶. ازنا ميهيک کودک هشت ساله: "من اين نامه را با دلي خون و اندوه براي... برادر عزيزم مي نويسم، اينجا بمباران است. به تهران ۷ موشک زده است و ۴۵ بمبار... در... وضعیت فرم شده است. ديگرا ميدي براي زنده ما ندن اما نمائده است. من ديگرا بشاها خدا حافظي ميکنم و مخصوصا من خيلي مي ترسم و اميدوارم که ميهيک بمب بر سر من بيفتد و زدم را بکشد و از اين غوغا نجات بيديا کنم، اميدوارم که شمساي خوشخت زندگي کنند."  
چيهـه. ازبا ددا شـهـا ي يـک سـر با ز: "کـسي مرده ها را شـما رهنـمـي کـرد، جـزا و. جـوان بـرگـوشـه ا ي از ديوار قـرا رگـا هـو جـب خـط مـي زـد. هـر مـرده يـک جـوب...  
شما مردگان از زندگان مدام ميبشي مي گرفت. جوان ديگر جوب خط نميزد. مردگان را ديگر کسي شما رهنمي کرد...  
اراهسا هيان "لبیک يا امام" رسيد...  
مرده و راهاي فـريـا د بـرا و رده کـسـي هـيـان تا زه نفس رسيدند. شـيـا ن با دها ن به کـف آ مـده، فـرا رسيدنـد تا محسـنات زندگي در آن سوي زندگي رادر روان قربانيا ن جديدا تها از راه رسيدنـد فـرگـسـتـنـد، رخصا ر جوان از خشمه زيان نيا مده اش به بغي نشست. دندا نيا فـر شـده شـد، راهـا زگـشـتـي در بـيـن نـبـود...  
جوان به اتا ق فرما نده، برادر ي که کـنـجـا عـد راتـنـيـا در ديگـر ا ن تحسـين مـي کـرد، با نـيـا د، کـليـد ا ر در قفل چرا نده، فرما نده مجال ناله نيافت و در خون در غلتيد. برادر ي بر پشت در مـي کـوبـيد. جـوان تـفـنـگـش را با لـابـر دوش مـتـال اما مـرا شـا نـه رـفت. بـر قـتـي آ مـيـخـتـه در غـور د رجمـشـا نشـ کـبـشـت مـسـک نـشـا نـه رفت در خـشـيدن گرفت. ما شـا ر ا چـکا نـد، شـيـتـه قـسـاب فـرور يـخت و سـر بـيـشـا نـي اما مـحـفـره ا ي سا يه نـشـت..."

به تدريج اما با بهاي تشديد و محتا واضع کشور و کسخت هاي بي دربي، برخورد ما محتا طه نـسـر شد. نما بـتـده جـمـهـوري اسـلامـي در سا زمان مثل پاـسـخ رسمي ايران را چنين اعلام داشت: "نه مي پذيريم و نه درمي کشيم". ۲۵ شهريور دبيرکل سازمان ملل به تهران سفر کرد. رفسنجاني شرط پا يان جنگ را محکوم کرد و متجا وز اعلام کرد. پس از اينکه دبيرکل سازمان ملل، تهران را ترک کرد، با زهم نشيبي سـر لـجـا ت و زويـد: "متجا وز با پد تشنيه شـود". در شـهـريـور ماه ۶۶ کمیته مرکزي سازمان به مناسبت آغاز هشتمين سالگت اعلاميه اي منتشر کرد و خـوا هـان اجـرا ي قطـعنا مـه ۶۸ شـوا ي امنيت برديد...  
هـر هـا بـا بـر خـور د هـا ي دـو گـا نـه و د فـع ا لـوقـت در عـصـه بـيـن الملـل ي رژيم بـيـسـج تا ز ه ا دسـت زـد، عـظـيـم تـريـن بـيـسـج. داتـشـا مـوزان در گـردان هـا ي نـظـم ي تقـسـيم شـدند. آ مـوزش نـظـم ي داتـشـجـويـسـا ا جـبا ر ي شد. ۷ شهريور کا را اعلام کرد: کـلـيـه کا رگـران با يدم سربا زهم توليد کنده با شند. تصميـمات جـديـدي بـراي اعـزا مـا رگـران بـه جـيـهـا تـخـا ذـشـد...  
۲۲ آبان دستور العمل ۱۵ ماده اي شـوا ي عـالي نشيبياتي جنگ، بسـيـج مـالـي و جـا تـي را و ا ر د مـرحـله نـا ز ه ا ي گـرد. هـمـه با بـيـه جـيـه بـرونـد. هـر کـس نـمـي تـوا نـد با بـه عـهـده دا ر مـخـا ر ج يـک نـفـر شـود. خـمـيني اعلام کرد: اـلـزام اسـت بـه هـمـت هـمـه افـرا د کـشـور هـر چـه سـر يـع تـر بـيـر و ز ي بـه دسـت آيد...  
۸ اسفنديک روز پس از سخنراني تحريك آميز خا منه ا ي که: "هدف خود را و جبهه و از طريق جنگ تا مـيـن خـوا يـم کـرد"، جـنا يـتـکار نـه تـريـن مـرحـله جنگ آغا ز شد، جنگ شهرها. ايران و عراق در آتش و خون فرورفتند. حملات موشکي، تهران و بغداد در زير و رو کرد. ۲۵ اسفند عراق حمله را بـيـمـبـا ران شـيـمـيـا ي کرد، ۵۰۰ نفر قـتـل عـام تـنـد، در اـوج مـسـابـقـه جـنـون و جـنا يـت، خـمـيني بـيـشـرا مـسـه گـفت: "مردم جـوا شـيـا نـيـان را بـراي شـيـا نـت بـسـز رگ مـي کـنـند... فـر ق نـمـي کـنـد شـيـا نـت با تـا نـگ با شـيد، تـو ب با نـديا مـي کـرد، او جـنا يـتـکار نـه فـريـا د بـرا و ر د "ما از فرود آمدن موشکها خندان مي شويم". جنگ وحشيا نه شهرها ۲ ماهه ادا مـيـا فـت. عـراق ۱۹۰ مـوشک بـقيـه در صـفـحه ۳

ادامه جنگ، راه براي حضورنا وهاي امريکايي در منطقه ياز شد. ۲۷ ارديبيشت عراق يک نا و امريکايي را به موشک بست و امريکا فرصت را غنيمت شمرد و نا وهاي بيشتري را به خليج فارس گسيل نمود. ۲۷ تير پرچم امريکا بر فراز زکشتي هاي کويت نصب شد. اواسط مرداد رژيم ما نورگسـتـه "شـيـا نـد" را در خليج فارس آغا ز کرد. نيروهاي "مدافعين خليج فارس" را سازماندهي نمود و پا ي آبرو هـيـن الملـل ي کـشـتـيـراني را مـيـن گـذا ر ي کرد. مـنـحـدين تا تـو بـي امريکا نـيـسـز نا وهاي خود را روا نـه خليج فارس کردند. در شهريور ماه اعلام شد امريکا ۱۰ هزار سربا ز ۴۱ نا و جنگي به منطقه اعزام نموده است. اوضاع خليج فارس به شدت رويه خا مت نشا د. ۳۱ شهريور امريکا به کشتي سـيـراني "ايران جـر" حمله کرد، دو هفته بعد سـنـد هـلـي کـشـتـيـر ا ي امريکايي ۴ قايق ايراني را غرق کرد و نـدو مـه فاعله ۱۰ روز سکوي نشي ايران را به آتش کشيدند. ۳۰ مه ماه جمهـوري اسـلامـي با يـا نـه نـفـتـي کـويت را بـا مـوشک مـور د حـمـله قـرا د ا د، جـنـگ نـفـت کـش هـا بـه اـوج رسيد...  
در کـنا ر تشـديـد تـشـنـج در خـليـج فارس، تـلا شـهـا ي بـيـن الملـل ي بـراي قـطـع جـنـگ سـر تـر گـشـا ي نـفـسـت، اواسط ارديبيشت سازمان ملل متحده قطـعنا مـه ديگري در مورد جنگ به تصويب رساند. خميني در پاـسـخ بـه نـدا ي مـلـحـمـه د مـبا خـشـگـفـت: "آ تـشـکـه مـي گـويـنـد با يـد نـاش کـرد، با يـا مـي فـهـمـنـد که گـر با ز شـا کـنـيم، لـسـه مـي شويم؟" ۲۲ خرداد دبيرکل اتحاده به عرب با دبير کل سازمان ملل متحد براي قطع جنگ ملاقات کرد. در همان روز خا منه ا ي اعلام کرد: "ما مـصـوبـات شـوا ر ي امنيت را به جـيـز ي نـخوا هـيـم گـرفـت و مـقبـول نـخوا هـيـم کـرد". سـرا ن رژيم فـريـا د زدند: "تـلا ش بـراي طـلـبـح بـيـهـود هـ اسـت. ۲۸ خـردا در ز مـيـبـراي ا نشـات جـنـگ طـلـبـي خـود، عـمـليـات " قـتـح ۶" و بـه نـدا ي آن، "نـصـر ۴۰۳" را بـه راه انداخت. نتـيـجـه ا بـن حـمـلـات کـشـا ر چنـدهـا ر جـوان ديگـر بـود...  
۲۹ تيشرواي امنيت سازمان ملل متحده قطـعنا مـه ۶۸ را به تصـوـب رسانـده خـوا هـان آ تـشـيـن فـوري و عـقـب نـشـيـن طرفين به پشت مرزها بسـيـود. خا منه ا اعلام کرد: اـين قطـعنا مـه "بـيـز ي نـمـي آ ر ز د" ولايتي گـفـت: "آن را نـمـي پذيريم"

سنگين درياچه مصنوعی "ماهي" را غرق در خون کرد. اـين بـزرگـتـريـن کـشـا ر بـود. ۵۰۰۰ نفر قـتـل عـام تـنـد اجـسا د سـر با زان ايراني بردشت ها روئيد. بـراي پـر کـردن جـا ي سا يه قـتـل عـام شـده مـحـمـد، "سا يه ا ن مـهـدي" به جـيـهـه هـا اعـزا مـشـدند. انا خميني شکست خورد و بـصـره فـتـح تـنـد...  
هـز مـان با کـشـا ر در جـيـهـه، جـنـگ شـهـر هـا از ۱۹۹ ي اوج گرفت و تا ۳۰ بهمن ادا مـيـا فـت. ۶۵ شـهـر ايران با ۲۶۴ بار مـور د حـمـله رگـر گـفـتند. ۳۰۰۰ نـفـر از هـمـمـيـنـا نـما ن کـشـتـه و ۱۱ هـزار نـفـر مـجـروح شـدند. ۲۵ ي مدرسه اي در بـيـر و جـد بـيـمـا ران شـد و ۶۵ کـودک خـرد سـال قـتـل ا مـشـدند. چـنـد روز بـيـسـج، مـدرسه ديگري در مـيـان هـيـمـبـا ران گـرديد. ۹۰ دختر داتـشـا مـوز کـشـتـه و ۱۵۰ مـنـعـول شـدند. چـيـره ضـا نـسـا ي جـنـگ بـه تـمـا ي ن نـمـا ي ن شـد. در اوج وحـشـي گـر يـا بـيـر کـشـا ر جـما ران از اـلـتـه ا مـن خـود فـريـا د بـرا و ر د "نـحـل کـنـيد بـيـمـا ران هـا را". رژيم پـيـشـنـه ا داتـشـيـن فـسـو ر ي سازمان ملل متحد را بـيـک با رديگر زد کرد. فـدا شـيـان خـلق د ر هـا بـمـب با مـدورا طـلا عـهـا ي جـنا يـسـات تـگان دهنده رژيم را محکوم کردند و خطاب به مردم گفتند: "مـلـحـمـه د مـبا ر جـه با خـيـز يـد هـا تشـديـد مـبارزه عليـه جـنـگ و عـلـيـه رژيم جـنـگ افـرـوزا جـا نـده هـيـد کـشـور بـيـش از اـين در غـرق با آ تـش و خـون نـا بـود شـود". سـال ۶۵ رژيم نيم ميليون نفرا به جـيـهـه هـا کـشـا نـد. ۶۵ تـا ۷۵ در صـا نـيـا داتـشـا مـوز بـودنـد. هـز مـان ر، سـهـا ر تـن شـان ديگـر هـر گـز يـه آ غـوش خـا نـو ا د بـا ز گـشـتـنـد... سـال ۶۶ هـم چـون سـالـهـا ي گـذـشـتـه با نـفـمـه شـوم جـنـگ آغا ز شد. در اولين نما ز جمعه ا ل، هـا شـمـي رفسنجاني وعده بيروزي بر عـراق در سـال نـورا د ا د. روزهاي ۱۷ و ۲۱ فروردين تـها جـمـات تا ز ه گـر بـلا هـا ي ۸ و ۹ در شـرق بـصـره جـيـهـه مـيـا نـي با جـا ي گـذا ر د ن هـز مـان کـشـتـه ديگـر گـسـتـک خـورد. ۸ ما ۴ روز پس از عـمـليـات بـيـنـتـيـجه گـر بـلا ي ۹، خـمـيني مـجـدا ا د اعلام کرد: "جنگ ممکن نيست يا يـن پذيرد...  
۱۱ گـز ا و ايل سـال ۶۶، تـشـنـج در خـليـج فارس شـدت گرفت. دو فروردين کـويت اعلام کرد ا ز اقـدا مـات دولتها ي بزرگ براي تا مـيـن امنيت کـشـتـيـر ا نـي در خـليـج فارس اسـتـقـيـال خـوا هـد کـرد. با پا مـشـا ر ي خـمـيني بـيـر

درباره تبلیغات (۷)

اشکال پخش، شعار نویسی

درشماره گذشته سازماندهی و برخی اشکال پخش را مورد بررسی قرار دادیم. اینک در ادامه مطلب به اشکال پخش و شعار نویسی میپردازیم.

پخش مستمر

در پخش مستمر یا غیر ضربتی، اوراق تک - تک در محل های مناسب قرار گرفته و یا مستقیماً به دست مردم داده می شود. در این شکل پخش، برای تیم مکان انتخاب وجود دارد و تیم می تواند ندبه کمک واحد حزبی خود، از میان خانه ها و مغازه های یک کوچه یا خیابان یا از میان کارگران یک کارخانه، آنتنهای سیار مرکز بندگانکده مخاطب اعلامیه اندو یا مستقیماً ذینفعند.

پخش غیر ضربتی عموماً به وسیله تیم دوتفره ای صورت میگیرد که در آن یکی نقش مراقب را بر عهده دارد و دیگری به صورت پیاپی ده، اوراق را از درودیوار به داخل خانه ها، مغازه ها و کارگاه ها می بریزد، در اطراف های خوابگاه ها دانشجویی قرار می دهد، آنتن کتاب دانش آموزان میگذارد، در رختکن کارخانه یا بیمارستان در کمد های انفرادی کارکنان میگذارد.

وقتی غیر ضربتی در مرحله صورت میگیرد، موتور و دوچرخه های تندسرو مناسب ترین وسایل نقلیه اند. در این حالت فرد مراقب در اطراف وسیله نقلیه باقی میماند و عمل مراقبت را از آنجا انجام می دهد و عامل پخش در میان کاربسته و ملحق شده با هم از منطقه دور می شوند.

برای گروهی که به کار توده ای مشغول است و نمیخواهد پلیس را متوجه حضور و فعالیت خود کند، پخش غیر ضربتی در سطح مخاطبان انتخاب خود، مناسب ترین شیوه کار است. در این حالت، تیم پخش اوراق را فقط به دست کسانی می رساند که از قبیل شناسائی شده اند و نسبت به عدم همکاری آنها بیگانه نیستند و علاقه آنها به خواندن اعلامیه ها، مطمئن وجود دارد.

پخش غیر مستقیم

در اشکالی از پخش که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، گرچه امکان شناسائی عاملین پخش به وسیله دریافت کنندگان اوراق وجود ندارد، اما حلقه واسطی نیز میان این دو نیست. هرگاه بهین عامل پخش دریافت کننده اوراق حلقه واسطی به این بیان شکل منظور شود، در آن صورت پخش را اصطلاحاً "غیر مستقیم" می نامند. پخش غیر مستقیم نیز می تواند "ضربتی" و یا "مستمر" باشد. با استفاده از مکانیسم های خودکار شبیه سازی، حرارتی، مکانیکی و الکتریکی می توان بین زمان گذشتن اوراق در یک محل و لحظه وارد شدن "ضربه پخش"، فاصله زمانی معین و کنترل شده ای ایجاد کرد و ضربت را به تیم پخش را افزایش داد. فرود کردن دسته ای اعلامیه در آگوزیک اتومبیل پارک شده، استفاده از بالون و بهره جویی از اتوبوس، کامیون و وانت بارهای دولتی و قطار، که در شمار گذشته بدانها اشاره شد، از جمله نمونه های مشخص ایجاد فاصله زمانی فوق الذکر است. با اندکی ابتکار و آشنائی حداقل با فیزیک، مکانیک و شیمی، و با دقت در انبوهی از امکانات که در زندگی روزمره با آنها مواجهیم، می توان ده ها و صدها مکانیسم "تأخیر در ضربه" ایجاد نمود و هر یک در خدمت پخش غیر مستقیم به کار گرفت.

در پخش غیر مستقیم و مستمر عمده ترین حلقه واسط، شبکه پست دولتی است. از پست می توان جهت ارسال اوراق تبلیغی از خارج کشور به داخل، از شهری به شهر دیگر، پخش در شهر و نیز رساندن اوراق به جبهه ها استفاده کرد.

پخش پستی کار ساده ای است که هر فریبی به تنهایی می تواند انجام دهد. در پخش پستی اگر یک رشته ضوابط ساده رعایت شود، عامل پخش از ضوابط امنیتی بسیار بالاتری برخوردار می شود و این حسن اصلی پخش پستی است. عیب این شکل پخش آن است که حلقه واسطی پستی، از امکانات دشمن است و پلیس سیاسی بر روی شبکه پست کشور و به ویژه پست خارج کنترل قابل ملاحظه ای دارد. در نتیجه، اولاد پخش اوراق به تنگ پلیس می افتد، ثانیاً - در پست کنندگان در نظر شناسائی به وسیله پلیس قرار دارند. برای آنکه پست اوراق حتی المقدور کمتر به دست پلیس بیافتد، لازم است که:

- تا مه های حاوی اوراق از نظر قطع وزن و حجم، شبیه نامه های عادی باشد.
- اوراق تبلیغی از پشت پاکت قابل تشخیص و رویت نباشد.
- نامه ها از صندوق های مختلف پست شوند.
- پاکت ها از یک نوع و متاثر نباشند.
- خط پشت پاکت ها متفاوت باشد.

و برای آنکه ارسال اوراق به وسیله پست امنیت دریافت کنندگان را به مخاطره نیفتد، باید تا حد امکان از پست کردن اوراق به آن درس مستقیم کمانی که فعالیت پستی و گروهی دارند، پرهیز کرد. از پخش از مردم که کم و بیش سیاسی بوده اما فعالیت مشخص تشکیل دهنده ندارند، مناسب ترین افرادی هستند که باید تحت پوشش پستی واحدهای پخش قرار گیرند.

در شرایط مشخص کشور ما، استفاده از پست برای رساندن پیام سازمان به کسانی که جبهه های جنگ هستند، اهمیت جدی دارد. دستپاچی به پست عناصراً فعال ضد جنگ و آزادی اندیش ارتش، در میان پرسنل و وظیفه و به ویژه پرسنل کار کارآسانی است و به این آدرس های می توان و باید اعلامیه ها و تراکت های سازمان در اطراف جابجاء پست کرد.

گرچه پخش پستی مهم ترین شکل پخش غیر مستقیم است، اما خطا است اگر آن را تنها شکل ممکن به حساب آوریم، به طور کلی می توان از تمام شبکه های توزیع، اعم از دولتی یا خصوصی برای پخش اوراق استفاده کرد. می توان به امکان سازی تدریجی و برپا سازی مریز شده از طریق قسمت بسته بندی واحدهای تولیدی و بزرگ، اوراق راهبردها که لایه ها به خانه های مردم فرستاد. همچنین می توان از امکانات موسسات حمل و نقل را برای توزیع نشریات به خدمت گرفت و قس علیهذا.

برای تحقق اهداف پیش بینی شده در کار پخش، انتخاب شکل مناسب اهمیت زیادی دارد. خلاقیت و ابتکار عمل واحدهای حزبی و تیم های پخش در گزینش اشکال مناسب نقش مهمی بازی می کند. آن شکلی از همه مناسب تر است که با صرفه بیشتر و دشواری و خطر کمتر، اهداف تعیین شده را با حداکثر رساندن متحقق سازد.

انتخاب یک شکل ثابت و شناخته شده و ندیدن امکانات تازه که می تواند در خدمت کشف و کار پست اشکال مناسب تر قرار گیرد، واحد حزبی را به درجه زدن می کشاند و به پلیس سیاسی امکان می دهد تا کارگردانی و احداث با سهولت دنبال کند.

پخش با پخش گونه ای سازماندهی و اجرا شود که نه تنها هیچ برگسسی از اعلامیه ها به پدید نرود، بلکه هر برگ اعلامیه به وسیله نفوذ نده شود. تیم پخش نباید برای همیشه با پخش کامل اوراق را بردوش داشته باشد، بلکه باید در جریان کار و به یاری واحد حزبی خود، از میان کسانی که تحت پوشش غیر مستقیم و احقر قرار دارند، افراد مناسب را شناسائی کرده، بخشی از کار

پخش را با گذاشتن تعداد بیشتری از اوراق، بدانها واگذار و خود به مرور به یک واحد توزیع عمده اوراق تبدیل شود.

\* \* \*

شعار نویسی

شعار، جمله ای عبارت کوتاهی است که فشرده مرکزی ترین ایده های ما را بیرون این بیان موضوع بیان می کند. از این رو مقدم بر موضع گیری های مشخص سازمان را باید با شعارهای بی شبهه مردم شناسا کرد. بردن شعارها به میان مردم، به شیوه ای متنوعی انجام میگیرد که شعار نویسی یکی از آنها است. شعار نویسی را می توان در اشکال زیراتجاسم داد:

- نوشتن شعار در قطعه کوچک و یا ماژیک، عمل ساده ای است که به هیچ گونه کار و تداریکاتی نیاز ندارد. سلاح این کار تنها یک عدد ماژیک است که به همسراه داشتن آن با ساده دلیل قابل توجه است. هوشیاری و موقع شناسی، در موقعیت کار نقش جدی دارد و انتخاب محل مناسب عامل مهم دیگر است. در انتخاب محل باید به سه عامل توجه ویژه داشت: نخست امنیت نویسنده، دوم مدت زمانی که شعار در محل باقی میماند سوم تعداد افرادی که درواحنه ای می توانند شعار را ببینند. به عنوان مثال صندوق اتوبوس شهری، حکیمان عمومی و دستفروشی های عمومی از هر سه نظر مکان های با نسبت مناسبند. در این گونه ها اما کن نویسنده مکان مراقبت اطراف و توجه حضور خود را دارد. شعار روزها و گاه هفته ها می ماند و تعداد کسانی که در هر ساعت شعار را می بینند، نسبتاً زیاد است. در شرایط اختناق حاکم این شکل شعار نویسی کم خطر و عملی تر و ساده است.

مناسب از اشکال است. نصب برچسب، شکل دیگر شعار نویسی است. زیبایی برچسب سبب جلب توجه رده گران می شود و بر شعار را افزایش می دهد. اما برای تهیه برچسب، به امکاناتی نیاز است که در شرایط اختناق آن به سهولت میسر نیست. ضوابط کار نصب برچسب، مشابه ضوابط الصاق اعلامیه است که در شمار گذشته مورد بررسی قرار گرفت. به همراه داشتن دانه های برچسب و نصب هرگز هسی آن عملی نادرست است و برچسب را باید در یک مدت زمان معین و با برنا مهری سرزی قبلی نصب نمود. برای آنکه نصب برچسب در تاریکی به درستی انجام بگیرد، لازم است آن را در تاریکی نا متقارن نظیر ذوقند و تیمداری طراحی نمود.

- شعار نویسی در قطعه بزرگ و نیمه علنی امکان پذیر است. در شرایط ملطه تر و در اختناق این گونه شعار نویسی که در گروه ها و کارگروهی نسبتاً طولانی در محل عمل است، کاری بر خط و کم صرفه به شمار می رود، به ویژه از این نظر که عمده این گونه شعارها نیز بسیار رگوتها است و عمل رژیم معمولاً به سرعت شعارهای بزرگ را پاک می کند. در عین حال این گونه شعار نویسی نظریه خلعت نیرومند تهیه می آنها، می تواند در شرایط ویژه و با هدف درهم شکستن یک جو روانی خاص مورد توجه قرار گیرد.

برای نوشتن یک شعار در قطعه بزرگ، یک تیم چهار نفره از سایر ترکیب ها مناسب تر است. در این تیم، دو نفر به کار آماده کردن تا بلو (دیوار، دروازه) و نوشتن شعار می پردازند و نفر دیگر وظیفه مراقبت از محل را عهده دار می شوند. شعار نویسی با پدیدار شدن یک گروه و محل باید به گونه ای انتخاب شود که به روش شدن هوا، در مدت زمان کوتاهی تعداد بیشتری بتوانند شعار را ببینند. محل شعار نویسی باید از قبیل شناسائی شود و اشکال استناد در محل و فیسوار از آن دقیقاً مشخص شود. شعار را باید در محلی نوشته شود که اطراف آن حتی المقدور خالی از شعارهای دیگر باشد تا توجه بیشتری را جلب نکند.

- نصب پلاکارد نیز همانند شعار نویسی در قطعه بزرگ عمدتاً در شرایط فعالیت علنی و نتیجه علنی کاربرد دارد و ضوابط کار نیز مشابه مورد قبیل است. نصب پلاکاردها دلیل آنکه عمل نصب می تواند به سرعتی بیشتر از شعار نویسی صورت پذیرد، کاری کم خطر و عملی تر است و در شرایط مساوی، بر شعار نویسی ترجیح دارد.

در شرایط اختناق نصب ضربتی پلاکاردهای کوتاه، از ضربتی بیشتری برخوردار است. این گونه پلاکاردها را می توان در ابعاد تقریبی ۵۰x۱۰۰ تهیه نمود و با قرار دادن جوب در یک انتهای آن و بستن طناب و وزنه به انتهای دیگر، پلاکاردها را برای پرتاب آماده کرد و سپس در محلی مناسب وزنه را به سمت یک سیم افقی نظیر سیم تلفن یا برق پرتاب نمود تا در نتیجه تعادل وزنه و پارتجه به سر تکیه گاه سیم، پلاکاردها را در معرض رویت عابری قرار گیرد.

- شعار نویسی با شابلون. این شیوه شعار نویسی در روزهای انقلاب بهمین وسیله به کار گرفته شد و در اندمان بسیار خوبی نیز داشت. تهیه شابلون از ورق آهن نازک، حلبی، مقوا، تخته و شابلون به سهولت امکان پذیر است. برای این کار کافی است که ابتدا شعار مورد نظر بر روی مقوا، حلب، تخته و... با خط زیبا خطاطی شود و سپس به وسیله آره آهن بر، قلم، آره موشی، کاروتیز و... شابلون ساخته شود. برای شعارهای پایداری می توان جنس مقوا را از حلب یا تخته برگزید، اما برای تهیه شابلون مناسب و صرفه آمیز مقوا هم می توان استفاده کرد.

ضوابط شعار نویسی با شابلون مشابه ضوابط الصاق اعلامیه به وسیله تیم سه نفره است. برای نوشتن شابلون "رنگ اسیری" مناسب ترین وسیله است. اما در صورت نبود اسیری می توان از اسطبل رنگ و برس نرم استفاده کرد.

- دستکاری در شعارهای دشمن: با اندکی دقت و دستکاری مناسب می توان بسیاری از شعارهای دشمن را به شعارهای علیه او بدل ساخت. مثلاً شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را که بر هر گوی و بر زنی نقش بسته است، می توان به شعار "جنگ جنگ تا نبودی..." تبدیل نمود و یا شعار "مرگ بر فداولایت فقیه" به سهولت به "مرگ بر ولایت فقیه" تبدیل می شود. این گونه دستکاری در اوراق و واحدهای تبلیغی و هم فزونی می دهد. در عین حال هزینه، زحمت و خطر چندانی ندارند.

\* \* \*

با بیان یافتن بحث شعار نویسی، سلسله مقالات "درباره تبلیغات" نیز با بیان میگیرد. این مجموعه که بر اساس جمع بندی شعبه مرکزی تبلیغات از تجارب تا امروز سازمان تهیه شده، در عین حال که می تواند راهنمای فعالیت تبلیغی فدائیان خلق و دیگر مبارزان را در برگیرد و به جهت جنبه آموزشی قرار گیرد، نباید از آنجا که با تبارت از زو تا زو تر تشکیل کرده، ارسال گزارشات منظم از کم و کیف فعالیت های تبلیغی به وسیله واحدهای حزبی و هوادار - که قطعاً در نظر داشت ضوابط امنیتی صورت میگیرد - به ما امکان می دهد که این مجموعه را تکمیل و تدقیق نمائیم.

آشنایی با

کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی

در پی تشدید تعرض و فشار کارفرما بر سیمان، دولت های سرمایه داری و به ویژه انحصارات فراملی نسبت به اتحادیه های کارگری و حقوق و آزادی های سندیکایی کا رگران جنبش بین المللی سندیکایی، مبارزت به ایجاد مرکزی تحت عنوان "کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی" نمود. این کانون بر اساس تقاضای با زدهمین کنگره جهان سندیکایی و به ابتکار اتحادیه ای از سازمان های بین المللی و غیر سندیکایی در نوامبر ۱۹۸۷ به وجود آمد مرکز آن در برابگ است. انگیزه شکل گیری این کانون در این شرایط و وظایف و اهداف آن، موضوعی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. مضمون و برپرسنده صما حها ما هنا "جنبش جهان سندیکایی"، ارگان فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری با ماریورا موس، دبیر اجرایی این کانون است.

سؤال: امروز وضعیت حقوق سندیکایی در جهان چگونه است؟ شیوه های اصلی تجا وز به حقوق کارگران کدام است؟

جواب: امروز حقوق و آزادی های سندیکایی در مناطق مختلف جهان به شکل مختلف مورد تجاوز قرار میگیرد. این تجاوزات، از حوضیاه نترسیمن شیوه نظیر آذربایجان، با زده است، با عدم برهبران و فعالین سندیکایی (در کشورهای که فعالیت سندیکایی در آنجا ممنوع و یا شدیداً تحت کنترل است) گرفته تا محلیانه ترین شیوه نظیر تعطیل کردن واحدهای اقتصادی که از فعالیت سندیکایی سطح بالایی برخوردارند، اخراج کارگران (کسبه) مانند دروا ه اتحادیه های، تخلیق نمایندگان کارگران از کار و غیره اعمال می شود.

امروز در کشورهای سرمایه داری ما شاهد یک تنها مبنای بقه آزوی کارفرمایان علیه حقوق کارگران هستیم که می توان آن را به صورت فشاری که برهبران و نمایندگان سازمان های کارگری وارد می شود، محدود کردن حق اعتصاب و تئیدسیسمل قرار دادهای دسته جمعی به ابزار تحمیل حاکمیت نیروهای سرمایه، نشان داد.

تعرضاتی که از آغاز دهه ۸۰ توسط آمریکا، تحت عنوان بسیج برای ایجاد "یک محیط آزاد سندیکایی" صورت گرفت و هدف آن، بر خستندگی از اتحادیه ها در واحدهای اقتصادی بر خستوردار از فعالیت سندیکایی پیشرفته، بلکه جلوگیری از تشکیل سازمان های جدید در واحدهای تکنولوژی پیشرفته نیز در رند و همچنین با هدف بازداشتن شکل سازماندهی از منافع کارگران بود. این تعرضات، متعاقباً توسط بسیاری از کشورهای اروپای غربی و ژاپن تقلید شد و اما به وقت، از طریق یک جنبش بسیج ضد سندیکایی، نیروهای وابسته به شرکت های بزرگ و دولت های که در جهت منافع آنها کار می کنند، اهداف مختلفی را دنبال می کنند: - از میان برداشتن مداخله که مانعی است برای آنها در جهت انفا دستا وردهای اجتماعی ای کسبه طی دهه سال ۱۹۷۰ به ابتکار انحصارات شروع و تعلیق و بی ثباتی اشتغال) در جهت حل بحران با روری تولید و تضمین سود بیشتر برای سرمایه - "شرکت داری" کارگران را مدیریت کنده به شرط آن که به نفع کارفرمایان باشد، محروم کردن کارگران از هرگونه دخالت در یافتن راه حل های برای معضلات اصلی اقتصادی ای اجتماع، لذا با بدگفتی های بسیج ضد سندیکایی، سیاست "انتقام اجتماعی" همراه است. سیاستی که در پایان دهه ۱۹۷۰ به ابتکار انحصارات شروع شد و هدفش انفا هرگونه بین دست جمعی خواست های کارگران در واحدهای اقتصادی و نیز در سطح کسل جامعه بود.

س: ممکن است مثال های مشخصی در بسیاری از شیوه های مختلف این "جها د" ضد سندیکایی ذکر کنید؟

ج: تنها مشترک کارفرمایان و دولت علیه حقوق کارگران، اولین و مهم ترین هدف خسود را متوجه اتحادیه های کرده است که با ملامت تمام در مقابل سیاست های که در جهان سرمایه داری را و خیم تر می کند، ایستاده اند. مثلاً تخلیق هیما و مجازات های ناروا، بستن راه های ارتقا حرفه ای و غیره، نمونه های است از اقدامات خوسران که به شیوه توسط کارفرمایان فرانسوی علیه اتحادیه ها به کار گرفته می شود. طبق اطلاعات تهیه شده توسط کنفدراسیون عمومی کار در فرانس، طی چهار رسال اخیر بیش از ۴۰۰۰۰ نماینده منتخب سندیکایی به خاطر ایستادگی در دفاع از منافع کارگران، از کار معطل شده اند. در همین دوره، موارد "شکایست" کارفرمایان فرانسوی علیه اعضا اتحادیه ها در دادگاهها، تقریباً برابر شده و در ۸۰ درصد موارد تعلیق از کار توسط با زسان وزارت کار پذیرفته شده است.

در همان زمان تعرض علیه حق کارکنان

فرانسوی در زمینه انصاف و آزادی های سندیکایی افزایش یافته است. در این رابطه، کانسیون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی در سندی که اخیراً انتشار داده خاطر نشان ساخته است که تنها در عرض هجده ساعت، از اول ژانویه ۱۹۸۷ تا پایان سپتامبر ۱۹۸۷ در فرانس، ۱۸۴ تبعیض علیه حقوق سندیکایی کارگران بخش دولتی و ۴۴ مورد در بخش خصوصی صورت گرفته است. در بریتانیا نیز، کمپرسور دولت محافظه کارتا چهره در مارس ۱۹۸۷، دفترچه سبزی را منتشر کرد که در آن به تفصیل بر نامه های کنترل فعالیت اتحادیه های بریتانیا با هدف زیر شکست شده بود؛ نقطه ای بیان گذاشتن برای اجرای اصل "در هر موسسه یک سندیکا" و حق مذاکره در مورد قرار دادهای دسته جمعی. به علاوه دولت بریتانیا، قوانینی را در جهت حمایت از اعتصاب شکنان و غیر قانونی کردن حق ایجاد "انستامات اعتصاب" (بیکت)، توسط کارگران اعتصابی و جلوگیری از ورود کارگران به موسسات در حال اعتصاب، به زور به تصویب رساند.

در آلمان فدرال، علیرغم مخالفت اتحادیه ها، با نداشتن کارکنان آلمان فدرال در سال ۱۹۸۵، ۱۱۶ قانون کار را لغو کرد. در این ماه تصریح شده بود که کارگرای که مجبور می شوند به خاطر اعتصاب در کارگاه، موسسه یا رشته صنعتی دیگری کار خود را متوقف کنند، از استثنای فدرال کارگری حق فنی اعتصاب دریافت می دارند.

محدود کردن حدی حق اعتصاب و انفا مساده قانون کار به کارفرمایان آلمان غربی، امکان دیگری جهت اعمال فشار مضاعف به اتحادیه ها در دوران "جانب زنی های دسته جمعی" می دهد و به کارفرمایان اجازه می دهد که مداخلات اعتصاب به سهولت تمام به بستن درهای کارخانه روی کارگران متوسل شوند.

در آلمان فدرال همچنین با بدان "منوعیست شغلی" نام برده که بر طبق آن دادگاه ها می توانند کارکنان کلیه خدمات عمومی را که فعالیت شان "متضاد با روح قانون اساسی آلمان فدرال" تشخیص داده می شود، از کار برکنار کنند. که این در واقع، شامل هر کسی می شود که موافق خلق صلاح است و بیساز حقوق کارگران دفاع می کند. صدها عضو اتحادیه به خاطر آن که جز فعالیت میباشند، قربانی سبسی محرومیت از کار شده اند و هزاران نفر دیگر تحت مراقبت نیروهای امنیتی قرار دارند.

اما فرانسو، سریتا تپای کمپرو آلمان فدرال، تنها کشورهای سرمایه داری هستند که در آنجا حملات جدیدی علیه آزادی های اتحادیه های صورت می گیرد، در ایالات متحده، در کانادا، اسپانیا، ژاپن، کارفرمایان - با کمک دولت - سبسی سوا استفا از بنوازی اقتصاد (خصوصی کردن) بی ثباتی شغلی) تلاش می کنند تا اتحادیه ها را از موسسات اخراج کرده و مانع شوند تا کارگران به خواست های قانونی آنها، همچون دستمزدها، اشتغال و شرایط کار و غیره گوش فرادهند.

س: امروز موقعیت در کشورهای در حال توسعه از نظر رعایت حقوق سندیکایی، چگونه است؟

ج: بدون شک، در این کشورها است که بیشترین تجاوزات وحشیانه نسبت به حقوق اتحادیه های صورت می گیرد. طبق مطالعات کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی، از ژانویه ۱۹۸۴ تا ژانویه ۱۹۸۷ در کشورهای در حال توسعه، بیش از ۳۰۰ عضو اتحادیه به قتل رسیده اند و در حال حاضر ۴۵۰۰۰ نفر در زندان یا به سبسی بر بندند. فقط به خاطر آن که از حقوق خود استفا ده کرده اند، تنها در کلمبیا، ای مکتی که در سال ۱۹۸۷ مورد ترور کارگران به لرزه انداخته بود، بیش از ۲۰۰۰ نفر به قتل رسیدند که حدود ۶۰ نفر آنها از رهبران و فعالان اتحادیه ای بودند. همه آنها توسط قاتلان مزدور به قتل رسیدند. در "جوخه های مرگ" شوم، که توسط نیروهای نظامی و ارتجایی در این کشور، اجبر و حمایت می شدند. در آفریقا، بدون هیچ تردیدی، تا آنکه به تاجا وز به آزادی های اتحادیه ای مربوط است، آفریقای جنوبی قافله سالار است (جایی که در حال حاضر صدها عضو اتحادیه ها طر حالت فوق العاده در کشور، تحت بازداشت به سر می برند).

در میان دیگر کشورهای که در آنها، حقوق سندیکایی زیر پا گذاشته می شود، کشورهایی هستند که در خاور نزدیک و آسیا قرار دارند: مثلاً، مناطقی عربی اشتغال شده توسط اسرائیل، بحرین و اندونزی، و خیمگری که در ماه های اخیر توسط نیروهای اشتغالگرا اسرائیلی برای سرکوب اعتصابات و نظارات عمومی کارگران فلسطینی در ساحل غربی و نوار غزه به کار گرفته شده، تفرشیدیدر آدراسر جهان رنگینخت.

در ترکیه، دولت فیرنظامی از اول، مطابق قوانین موصیه توسط رژیم نظامی در سال ۱۹۸۳ همچنین به زیر پا گذاشتن حقوق اتحادیه ای ادامه می دهد. ۲۶۴ نفر از فعالین "دیسک" که به زندانهای طویل المدت محکوم شده اند، از دادگاه استیضاف جهت بررسی مجدد دعوی آنها، تقاضای استیضاف نموده اند که این دادگاه برای مدت بیش از هفت سال همچنان ادامه دارد. امروز کارگران در آلمان فدرال

بین المللی در دست دارند تا توسط ان، خواستار رعایت آزادی های سندیکایی شوند و تجا وزات به حقوق آنها محکوم شود؟

ج: مقاولان ما هم شمار ۹۸ سازمان بین المللی کارکنان رست کار سازماندهی و انفا دقا ردا دهای دسته جمعی را مورد نظر قرار می دهد (موصیه در سال ۱۹۴۹)، حق کارگران در برخورداری از اجزا نیست کافی در مقابل اعمال تبعیض آمیز ضد سندیکایی در رابطه با اشتغال را به رسمیت می شناسد. در مقابل و نامه شمار ۱۵۴ سازمان بین المللی کار و پیش برد قرار داد دسته جمعی تصریح شده است.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی کسبه کارفرما از بررسی خواست های شان امتناع می کنند، همچنان به نفوذ خود باقی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایست بردودن انفا از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به طور کسل.

هنوع محدودیتی برای این حقوق، تجا وزی است به آزادی های سندیکایی و در سطح وسیع تر، به ایستادگی های قانونی بین المللی و قوانین ملی که حق مذاکره و اعتصاب را به رسمیت می شناسند.

با توجه به شمار فزاینده تجا وزات به آزادی های سندیکایی در نقاط مختلف جهان، امروز تحرک بیشتری از کارگران دیده می شود که به متنوع ترین اشکال عمل روی آورده اند (نظارات، اعتصابات، طومار نویسی، اعتصاب غذا و غیره) تا توجه مردم جهان را نسبت به تجا وزات به حقوق خود جلب کنند و خواستار آن شوند که مردم جهان، مانع حملات ضد سندیکایی کارفرمایان و دولت ها شوند.

س: آیا شما می توانید به اختصار جزئیات بر نامه عمل کنونی و وظایف اصلی را که در پیش روی کارگران بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی قرار گرفته شرح دهید؟

ج: در انطباق با اعلامیه موصوب ۶ نوامبر ۱۹۸۷ براک و همراهها دستور العمل های داخلی آن، اهداف "کانون" به شرح زیر است: - دفاع از حقوق سندیکایی و فعالیت برای بسط آن ها.

- تحقیق در باره گسترش تجا وزات به حقوق سندیکایی.

- واکنش نسبت به همه تجا وزات به حقوق سندیکایی و به همه سرکوب های ضد سندیکایی از طریق همیاری قانونی با کارگران و اتحادیه های که قربانی این تجا وزات شده اند.

- تهیه اطلاعاتی سیستماتیک از همه تجا وزاتی که به آزادی های سندیکایی در سراسر جهان می شود.

- پیشبرد همبستگی بین المللی بین اتحادیه ها با توجه به دفاع از حقوق سندیکایی و حمایت از کلیه فعالیت ها به منظور پشتیبانی و بسط آزادی های سندیکایی.

این کارها همیاری عمل فعالیت های کانسون میباشند، تا طور که توسط شورای اداری تعریف شده اند.

برنامه آن بر اساس چهار زمینه اصلی قرار گرفته است:

۱- تحقیق: یه درنگ در باره حقوق سندیکایی (در مناطقی که تجا وزه این حقوق بیشتر عیان است) و تجزیه و تحلیل وضعیت حقوقی در کشورهای و مناطقی مختلف جهان. کلیه این گزارشات و اسناد به زسان بین المللی کار، سازمان های دولتی و غیر دولتی بین المللی، به سازمان های مختلف سندیکایی کسوسی، کسوری و به همه آژانس های خبری بین المللی ارسال خواهد شد.

۲- تنظیم همیاری قانونی با قربانیان سرکوب ضد سندیکایی.

۳- تلاش برای انجام اقدامات مقتضی جهت با بیان دادن به تجا وزات آنکار به حقوق سندیکایی، از طریق مقامات دولتی، سازمان بین المللی کار و دیگر سازمان ها.

۴- تنظیم سمینارها برای آموزش قانونی رهبران و فعالین سندیکایی که درگیر مشکلات قانونی هستند، به منظور آنکه آنها در وضعیت بهتری قرار بگیرند تا مطمئن شوند که ابزارهای بین المللی، خصوصاً مقاولان ما هم شمار ۹۸ سازمان بین المللی کار، "کانون" سازماندهی ابتکارات گوناگون را به منظور ارتقا کای بین المللی، جنبش جهانی سندیکایی را در باره اهمیت این دو ابزار قانونی بین المللی بر نامه بر می می کند. کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی در اجرای فعالیت های طبق روحیه منشور سازمان، ملل، با کار روزمره تلاش خواهد کرد در جهت رعایت کامل اسناد بین المللی که به حقوق و آزادی های سندیکایی برده اختصوما مقاولان ما هم شمار ۹۸ سازمان بین المللی کار فعالیت نمایی.



از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر

پیرامون نوزدهمین کنفرانس سراسری ج.ا.ش  
طراحی چهره نوین سوسیالیسم

روز هفتم تیر ماه، نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در مسکو برگزار گردید. کنفرانس با شرکت حدود ۵۰۰ نماینده از کلیه سازمان‌های حزبی تشکیل شده بود و چهار روز و نیم با هم می‌گذشت. روندتدارک کنفرانس نوزدهم که با قرار ریلنوم‌زوشن سال پیش آغاز شد، با تحلیل‌ها، آرا، نظرها، انتقادات و پیشنهادهای فعالین حزبی، صاحب‌نظران و کارکنان در مطبوعات شوروی پیش‌ترت و با انتشار رتزه‌های کمیته مرکزی، موضوعات در دستور کنفرانس به بحث و رفع عموم مردم اتحاد شوروی گذاشته شد. و در سندهای گروهی، حوزه‌های حزبی، گلتک‌های کار، محافل اجتماعی به عرصه ملی گفتگوها تبدیل گردید. دفتر روزنامه پراودا به تنهایی بیش از ۷۵۰۰ شماره نامه دربارۀ رتزه‌ها با نظرها و پیشنهادهای گوناگون دریافت کرد. در این رابطه علاوه بر سندهای بحث و سخنرانی رسمی، در نقاط مختلف اتحاد شوروی گرد هم آئی‌ها و مینتینگ‌هائی به استکار حزب و مردم شوروی به علل و عنای و بیگانه‌گوناگون برگزار شده که درخواست‌های خود را از کنفرانس و نمایندگان آن در آن بیان می‌کردند.

تنها سالین کنفرانس و تریبون آن، محل اظهار و بحث نمایندگان نبود آن‌ها به کمک انواع رسانه‌های گروهی و کنفرانس‌های مطبوعاتی جنب کنفرانس، نیز نظرات خود را ابراز می‌کردند. یکی از نمایندگان که کارگر فولاد بود، در رابطه با پیشنهاد کمیته مرکزی مبنی بر اینکه در باره هیچ نوع مسئله‌ای نباید با دورزن‌ها توافق می‌گردد، اظهار داشت: "من موافقم... من با هر دو دست رای می‌دهم. من دودوره‌ها را می‌بینم. شهر مسکو بودم و حال برای با دووم نماینده شورای عالی جمهوری فدرا تیوروسیه هستم. من می‌دانم چقدر مسایل مهم، خارج از شورا مورد تصمیم‌گیری واقع شده‌اند."

فقای کنفرانس به تصمیم مطبوعات شوروی و بین‌المللی از لحاظ آشکارا گوی و دو مکرسی در ۶ سال اخیر بی سابقه بوده است. نمایندگان به صراحت به انتقاد از رتزه‌ها و مورد نظر در گزارش کمیته مرکزی می‌پرداختند و فرمول‌های جا بگزین خود را به کنفرانس پیشنهاد می‌کردند، "الیانوف"، رئیس هیئت مدیره اتحادیه هنرمندان تا تریبا پیشنهاد کمیته مرکزی در مورد اینکه دبیران کمیته‌های حزبی می‌توانند استعفا را برای دوره ۳ ساله سوم نیز به این بست انتخاب شوند، مخالفت کرد و خود استا را آن شکره‌دهی انتخاب شدن برای دور دوم مشروط به کسب دو سوم آراء، انتم لزوما در برابر برقراری دیگر شود.

مضمون گزارش کمیته مرکزی که توسط میخائیل گاربا یوف دبیرکل حزب ابراه شد، بر اساس تزه‌های پیشنهادی این ارگان تنظیم شده بود، اما مرزهای آشکارا گوی و با پیشنهادی گزارش بسیار ترا خد تزه‌ها قرار داشت. گزارش کمیته مرکزی، اصلاح ساختار سیاسی کشور در میان مجموعه مسائل پیچیده موجود، مساله‌ای کلیدی شمرده است:

"... سوسیالیسم که در نتیجه پیروزی انقلاب اکتبر بنا شده بود، در مرحله معینی در چارنا هتجاری‌های جدی گردید... شیوه‌های فرماندهی اداری مدیریت که در آن سال‌ها شکل گرفتند، بر ششون مختلف رشد و تکامل را مع مسا تا ثیرات مملکتی برجای نه‌اند، بسیاری از دشواری‌ها که هم‌اکنون بی‌سابقه آن روبرو هستیم، از این سیستم ریشه‌ای گیرند. تصمیمات کنکره سیستم حزب امکان‌ناهی برای غلبه بر تخلف از اصول لنینیستی زندگی حزب و دولت به دست می‌آید. لیکن این امکان‌ناهی قبل از هر چیز، در اثر شکست دادن و دست‌گرفتند مکرری سوسیالیستی، مورد استفا ده قرار گرفت... البته حجم وظایف و عملکردهای دولت سوسیالیسم نسبت به شرایط سرمایه‌داری بسیار گسترده‌تر است. اما مسال مطابق اندیشه لنینی گزاران مارکسیسم-لنینیسم این گسترش وظایف اداری باید استه از قبیل تشدید قدرت مکتبی بر مرونیدی و اجبار رک‌پیش از همه از طریق فعال کردن عامل مکرراتیک و جذب توده‌های وسیع خلق به ادارا مسور، به دست آید."

گزارش براب آشکارا رکردن انحراف اصولی در این عرصه، با آرومی شود که لنین دولت سوسیالیستی را نه دولتی در معنای خاص کلمه می‌داند، بلکه به حتی آن را یک "تیمه دولتی" می‌شمرد که به تدریج به خودگردانی اجتماعی بسدل می‌شود. اما پس از مکرر لنین دتوروی ویرا تیک بیرونی نسبت به دولت دست با لایبیدا کرد که اتفاقا مبتنی بود بر معنای "گامل" یعنی قدیمی این مفهوم.

در قضا سوسیالیسم کنفرانس پیرامون دموکراتیزه کردن جامعه شوروی و اصلاح سیستم سیاسی، جدا کردن کارگر از نه‌ای حزبی و دولتی را مطابق مفا هیمل‌لنینیست نقش حزب کمونیست، به مثابه پیشاهنگ سیاسی جامعه، و نقش دولت به مثابه سازمان وسیله قدرت خلق، تشبیه کرد و دست تعیین کننده صلاح سیستم سیاسی را تا مین قدرت کامل شورا‌های نمایندگان مردم به مثابه اساس دولت‌های سوسیالیستی و خودگردانی در کشور تعیین نمود.

بنا به تصمیم کنفرانس، از این پس "ارگان عالی حکومت کشور با بدکنکره نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با شکره در ترکیب آن علاوه بر نمایندگان جغرافیائی و ملی - جغرافیائی حوزه‌های انتخابیاتی، نمایندگان معرف حلقه‌های اساسی سیستم سیاسی حزب، اتحادیه‌های صنفی سازمان جوانان و دیگر مفا حل اجتماعی توده‌ای همچنین سازمان‌های تعاونی، هنری، علمی که به شیوه مکرر تیک در کنکره‌ها و پلانوم‌های ارگان‌های مرکزی شان انتخاب شده با شند، شرکت خواهند داشت. یکی از بخش‌های مهم و قابل توجه گزارش، "دمکرراتیزه کردن مسالات بین‌المللی" است که مضمون آن از مدت‌ها پیش در سطح جهانی و به ویژه در جنبش جهانی کارگری و سوسیالیستی، بحث‌ها را جدی راسر تکیخته است. این بخش با بررسی موقع و موضع اتحاد شوروی در حوزه‌ها مسالات

بین‌المللی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و تا شیدل زوم‌نشی کردن رتزار تاجارکارانده میرالیسم، شیوه‌های فرماندهی - اداری را در این عرصه به نقد می‌گذشت: "مواردی بیش می‌مدکه حتی مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در جمع کوچکی از افراد و بدون تجزیه و تحلیل همه‌جانبه جمعی و گاهی بدون مشورت با دوستان انجام می‌گرفت. این امر... حتی به تصمیمات اشتباه نیز منجر می‌شده... سپس ضمن تاکید بر درستی دستبای به توده‌های با ایالات متحده آمریکا ادا می‌دهد: "... اما با متمرکز کردن همه توجه‌ها بر توان‌ها و روی وجه نظر مسی تقابل با امبریا لیسیم، همیشه امکان‌ناهی سیاسی را که در باره بطه‌بای تفسیرات بین‌الدین در جهان فرا هم می‌آید، در جهت تا مین امنیت کشور و گاهی شنج و در جهت تقا هم‌بای خلق‌ها به کار رنکر فتم، در نتیجه‌ها جا زده‌ا دیم به مسا بقصه تسلیماتی کشیده شوم. چیزی که نمی‌توانست بر رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی و بر موقعیت بین‌المللی کشورمان تا شیرنگذارد... تا جایی که "بدون دگرگون کردن جنبش حرکتی، ممکن بود او قاعا در مرز رویا رویی نظمی قرار گیریم". گزارش با مراجعه به اصل روش لنینیستی بر خورد منصف با شرایط شخصی مطرح می‌کنند که امروز "در مسایل بین‌المللی نمی‌توان تنوع منافع را به حساب نیاورد. در نظر گرفتن این منافع عنصر مهم تفکر نوین سیاسی را تشکیل می‌دهد". آنکه با آرا‌ها این حکم که "نظریه آزادی انتخاب در تفکر نوین مفا می‌کلیدی دارد"، توضیح می‌دهد: "در شرایطی که بودقی تمدن به مسا له‌املی، فرا گیسرو جهان شمول تبدیل شده است، ما به عمومیت این اصل برای مناسبات بین‌المللی با و راسیم"

سند کمیته مرکزی گرایشات جهان مرزقرن‌های ۲۰ و ۲۱ را چنین توضیح می‌دهد: "غیر تنها می‌شدن و اتسانی گشتن تدریجی مناسبات بین‌المللی، که سرانجام محل تقا ده‌ای پرشما در جهان و دستبای به تقا د مل منافع، محرک دولت‌ها نه مفا مدو پیشداوری‌های خود غرضانه، که خرد، دانش و موازین اخلاقی خواهند بود، که حتی حق هر کس در آزادی انتخاب به رسمیت شناخته خواهد شد. تا مین امنیت دولت‌ها هر چه بیشتر از عرصه‌ها سبب بنیه‌های نظمی به عرصه‌های سیاسی و اجرای اکتیدیه‌ها تا بین‌المللی منتقل خواهد شد، سیستم جامع امنیت بین‌المللی به طور عمده از طریق ارتقا نقش و شریخی سازمان ملل متحد شکل خواهد گرفت."

در خدول آسای بنیه علمی - فنی به گونه‌ای متحدانه‌تر برای حل مشترک مسایل جهانی اقتصاد، محیط زیست، انرژی، خواربار، بهداشت و غیره به سودتای شریعت به کار گرفته خواهد شد. - مراد متنوع و دای و طلبا خلق‌ها و کشورهای مستقل به گونه‌ای مطمئن در خدمت غنا بخشی متقابل مادی و معنوی آنها قرار خواهد گرفت و با نت صلح عمومی را تحکیم خواهد نمود. گزارش کمیته مرکزی اشعار می‌دارد که: "الموضع عرصا حاضر ماکوشش کردیم ا به پیوند متقابل منافع پرولتری - طبقاتی و عموم بشری را که از ابتدا در مارکسیسم‌پرا گذاری شده بود، هر چه زودتر تشبیه‌ناشیم، این امر ما را به نتیجه‌گیری اولویت ارزش‌های عموم بشری در عرصا رساند. هسته تفکر نوین سیاسی هم همین است."

در گزارش‌های این جنبش رنده‌های نوین بین‌المللی را نیز مورد مناسبات بین‌المللی، کار طریشانی می‌شود که اکنون "محور زندگی بین‌المللی جا بجای می‌شود. از قبال به همکار روتفا هم... و در پاسخ به این ستوا که آیا توفیق یافتیم یا خیر خطر جنگ را دور از ما زدیم؟" جواب داده می‌شود "آری، بی‌شک تردید"

گزارش حکم‌نویسی شریخی رنده‌های نوین بین‌المللی را نیز مورد ارزیابی قرار داده است: "با سرچشمه‌های امبریا لیستی تاجا و زوج شک زده‌اند؟ خیر... و معتقدیم که هنوز تصمیم بر گشت‌ناپذیری رنده‌های آغاز شده شکل نگرفته است. اتفاقا همین تفکر نوین سیاسی امکان می‌دهد امکان‌ناهی تازه مفا بله‌بای سیاست زور را بر پایه سیاسی وسیع‌تری از گذشته ببینیم و ببینیم. این امکان‌ناهی و عوامل عینی جدیدی که در نتیجه دور مقرر حاضر پدید آمده‌اند، روبره تحکیم می‌روند". در رابطه مفا بایاتی کنفرانس آمده است که: "دمکرراتیزه کردن عمیق فعالیت‌های حزب"، "بحث آزاد در مرحله برررسی مسایل و عمل‌ها مکتب سیاسی تصمیم‌گیری"، ایفا نقش پیش‌رو در بازسازی و نو سازی جامعه برای حزب ممکن می‌سازد.

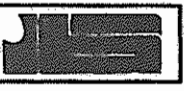
در ارزیابی دموکراتیزه کردن زندگی حزبی، به تصمیم کنفرانس، تمساک ارگان‌های انتخابی حزب تنها برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند و هر دو سال با سه‌سال نیز کنفرانس برای انتخاب مجدد تا ۲۰٪ اعضای ارگان زور، برگزار خواهد شد. همچنین مقرره‌ها مفا ایضا ی دفا ترود دبیران کمیته‌های حزبی، همه‌اعی و دستر سیاسی کمیته مرکزی و دبیرکل کمیته مرکزی، تنها می‌توانند برای دستور انتخاب شوند". تشبیه این ترتیب از سوتی ما تسع سو، استفادها مفا‌های حزبی و سرورکیش شخصیت و از سوتی دیگر افزایش مسئولیت انتخاب شدن در برابر انتخاب کنندگان خواهد بود. کنفرانس، مفا رزه مفا و مفا طعا نه‌بای تیسیم کارگش جمده‌گشا ه اداری را مورد تاکید قرار داد و اقدامی برای حل مشکلات موجود در روابط بین ملیت‌های شوروی را به کمک بررسی علمی تغییراتی که طی دهه‌های اخیر در این زمینه پیدا شده، جز وظایف ضروری حزب دانست.

کنفرانس به عنوان تیرخی اقدامات بلادرنگ... اولاً مقرر کرد که تا قبل از پایان سال جاری، انتخابات ارگان‌های حزبی انجام شود و سازمان مجدد دستگاه حزب و تغییرات لازم در ساختار آن با تکیه بر تصمیمات کنفرانس مبنی بر جدا شوی کارگر حزب و شورا‌ها تا آن زمان پایان یابد. و ثانیاً شورا عالی اتحاد شوروی را فرار خواهند در اجلاس عادی آینده خود برای بازسازی شورا‌ها، تمهیدات لازم را به عمل آورده تغییرات لازم را در این راستا در قان‌سوان اساسی وارد کنند و از طرف دیگر، ترتیبات لازم جهت برگزاری انتخابات را برای تشکیل کنکره نمایندگان خلق در آوریل سال آینده تاجا دکنند. به علاوه انتخابات شورا‌ها در تمام سطوح دربارا شیز سال آینده با بدبرگار شود.

دیکتاتور و تفویض آن به نیروهای دمکراتیک جامعه قرار داده‌اند. موج اعتراض علیه مفا کمرهبران کمونیست ترکیه و همیستک با آن‌ها به مفا به دفاع از تا مین دمکراسی و عدالت در کشور ترکیه است. هر چه گسترده‌تر کردن این اعتراض و تقویت همبستگی یک وظیفه انقلابی است. ما باید رگبیا زدا شت، شکنجه و مفا کمرهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی آنها هستیم.

معرض خطرا عدم قرارداد رند. اقدامات سرکوبکارانه علیه کردها و میارزان و نیروهای سیاسی خلق کرداد ما را به راد، و خیرا مومج دستگیربای جدید می‌رسد. مفا کمه حیدر کوتلو و نییست سا رگین، دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در جنبش شرایط اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد. به ویژه این کسان که حزب با پیشردا موجود و آرا‌ها شسه برنا مفا استراتژی مشترک نوین، هدف خود را خارج کردن ابتکار سیاسی از دست رژیم

رژیم ترکیه... بقیه از صفحه ۱۰ به بسیاری از حقوق صنفی و دمکراتیک شناخته شده است. در سالهای اخیر، سبک‌گسترش را با تکیه و اعتراضات مردم به ویژه کارگران گردیده است. علیرغم اعلام تعهد رژیم برای تا مین دمکراسی‌های بورژوازی به انگیزه رورود به بار و رمترک، هم‌چنان احزاب و انقلابی و مترقی غیرقانونی هستند. گزاران زندانی سیاسی در شرایط نامناسب در زندان‌ها، سازمان‌های ترکیه به سومی برند. نزدیک به ۱۹۰ نفر زندانی مخالف دیکتاتور که هر مکرر محکوم شده‌اند.



افغانستان:

چشم پراه آینده صلح آمیز

بیش از ۲ ماه است که از انعقاد قرارداد توافق ژنو پیرامون حل مسئله افغانستان می‌گذرد. طرفهای افغانستان و اتحاد شوروی در راه اجرای این قرارداد، برای پایان دادن به جنگ و بازگرداندن صلح و آرامش به افغانستان، بلافاصله تعهدات خود را به مرحله اجرا گذاشته اند. خروج مرتب نیروهای شوروی طبق برنامه همچنان ادامه دارد و دولت افغانستان نیز برای مدت علیرغم مشکلات، همه مساعی خود را به کار گرفته است. ولی ضدانقلاب افغانستان که توجیه مخالفت ها و دشمنی خود را علیه دولت و مردم افغانستان از دست داده است، به خشم آمده و به عملیات ایذائی و دیوانه‌واری روی آورده است. روزی نیست که خبر از انفجار بمب و پرتاب موشک به نقاط مسکونی، از افغانستان به گوش نرسد. شهرکابل این روزها هدف موشک‌های نیروهای ضدانقلاب است. ضدانقلاب، گروه‌گروه از مردم بیگناه افغانستان قربانی می‌گیرد.

بای بندهی اتحاد شوروی به قرارداد ژنو و اجرای مسئولانه، نیروهای "اشغال‌فگانه" را به تنگنا پیوراده شده است. برخی از نیروهای اشغال با سیاست‌های بخش‌های افرایقی آن مواضع نیستند و اختلافات معینی با آنها برآزمی دارند. این نیروها بیشتر سیاست‌گاستن از عملیات مسلحانه و کشتار و دزدی‌های اهلای مذاکره برای گرفتن امتیازات مورد نظر را دنبال می‌کنند. در حالی که بخش افرایقی ترا اختلاف گلبدین حکمتیار یکی از سران این بخش است با داعیه برقراری حکومت اسلامی و برخورداری از حمایت بی دریغ آمریکا و روابط آشکار با آن، همچنان بر ادامه کشت و کشتار ارجحیت می‌ورزده و به عملیات جنون‌آساست می‌زند. خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و کوه‌وخیابان را هدف بمب و راکت قرار داده است. این بخش می‌خواهد با گسترش اعراب و به وجود آوردن ناآرامی در پارتیخت و دیگر مناطق ازادامه روند عادی سازی وضع جلوگیری کند و توافق ژنو را به شکست بکشد.

ضیاءالحق دیکتا توپرا کستان نیز که از امضای قرارداد دنا خوند است، نه تنها تا کنون اقدامی در راه انجام تعهدات خود صورت نداده، بلکه انتقال محموله‌های بزرگ اسلحه به گروه‌های ضدانقلاب افغانستان را از طریق خاک پاکستان تشدید نموده است. ضیاءالحق با انجام شبه‌کودتای برکناری دولت "چونجو" عملیات دزدی از زمان بدین اجرای قرارداد دژنورا از سر راه خود برداشته است. کارکنانی که و شرارت‌های پاکستان در راه اجرای قرارداد دکه به پشتیبانی آمریکا صورت می‌گیرد، مشوق عملیات خرابکارانه نیروهای ضدانقلاب است. علاوه بر این رژیم ضیاءالحق دولت آمریکا برای توجیه غیرمسئولانه عدم رعایت تعهدات ژنو و قرار از اجرای آن، علیرغم خروج مرتب و طبق برنامه نیروهای شوروی، تپیکا رانه به دروغ ادعا می‌کنند که گویا روند خروج قوا متوقف شده و اینکه تعدادی از آنها دوباره به خاک افغانستان رجعت داده شده اند. در این رابطه دولت اتحاد شوروی به دولت پاکستان هشدار داده و دروغ پرانی‌های آن را تکذیب کرده و از دولت پاکستان خواسته است به آنچه که تعهد کرده عمل کند و دولت آمریکا را نیز که یکی از طرفین نامن اجرای موافقت نامه ژنو است به اجرا و پشتیبانی آن فراخوانده است. از زمان ملل متحد نیز خواسته است که به تلاش‌های خود در راه اجرای قرارداد دبیقزاید.

ادامه‌های ضیاءالحق از ضدانقلاب و عدم تمکین آن به اجرای موافقت نامه ژنو و بی‌تحریکات ما در جویا شده آمریکا، سبب نگرانی ملل ماحقل بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد شده است. مردم افغانستان، خسته از جنگ، چشم‌پراه آینده‌ای صلح آمیز مبارزه می‌کنند.

منتشر شد:

- شماره نخست از مجموعه "مسایل اقتصادی جهان معاصر" توسط انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) منتشر شد. در این مجموعه مطالب زیر را می‌توانید:
۱- کاپیتال و جهان معاصر
۲- وظایف حزب کمونیست اتحاد شوروی برای نوسازی اساسی مدیریت اقتصاد
۳- سرما به داری در دنیای به هم پیوسته
۴- اقتصاد غرب بر سر دوراهی
۵- درک تضادهای ژرف
۶- سرمایه‌داری در تنگنای بحران ساختاری
۷- تمرکز تولید و سرمایه‌داری در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۶۰

جنگ از زبان آمار

هشت سال جنگ برای مردم ایران به چه قیمتی تمام شد؟ آیا میتوان بر آن همه در درونج و خون و ویرانی قیمتی زد؟ آیا میتوان برای جان مدها هزارانسانی که در آتش این جنگ پلید سوختند بهایی تعیین کرد؟ تلفات و ضایعات، رنج و درد و آسوبه فشارهای مردم ایران را با هیچ آمار نمی‌توان نشان داد. نگاه به آمار تلفات و ضایعات تنها می‌تواند گوشه‌ای از آن چرا که خمینی جنا پتکار با مردم میهن ما کرد، آشکار سازد.

طرف هشت سال جنگ: حدود ۱۰۰۰۰۰۰ نفر از مردم ایران قربانی شدند. اهداف شوم و کثیف دیکتاتورچما را و صداجنایتکار شدند. بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر سلامتی خود را از دست دادند و سایر مردم غریب جنگ برای همیشه زندگیشان باقی ما تسد.

۲۰۰۰۰۰۰ تن از همیپنا نمان خانه و کاشانه خود را از دست دادند و از شهر و روستای آواره شدند. تنها تا شهریور ۶۴، ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و اقتصادی ویران شدند. هزینه مستقیم جنگ سالانه برای رسیسا ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است. هشت سال جنگ حدود ۵۰۰۰ میلیارد تومان از درآمد موانع کشور را بلعیده است. با ۵۰۰۰۰ میلیارد تومان می‌شد: حدود ۵۰۰۰ مدرسه برای ۲۰۰ میلیون دانش آموز ساخت.

۷۰۰۰۰ بیمارستان مجهز، یعنی برای هر ۷۰۰ نفر مردم ایران یک بیمارستان، بنا کرد. برای همه مردم کشور خانه‌های نیم میلیون تومانی احداث نمود. نزدیک به ۲۵ سال درآمد متنفذان است نمان ویرانی‌های ناشی از جنگ جبران شود و کشور ما بار دیگر به سطح سال ۵۹ برسد. هیچ کس در چنان اما قادر نیست غمناک شوده آن پدران و مادرانی را که صبح دختر کوچکشان را با هزاران آرزوی به مدرسه فرستادند و ظهر قطعات بسیار هم را در ورا از میان ویرانه‌ها جمع کردند، آلتسیام بخشند، از این پدرها و مادرها فراقوانند. قریب به یک میلیون! خمینی با بدیهان پدران و مادران و همه مردم ایران پاسخ دهد برای چه هفت سال میهن ما را در آتش جنگ سوزانند؟

رژیم ترکیه پای میز محاکمه

قریب ۷ ماه پیش، رفقا حیدر کولونوئیپت یارکین دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه که برای تأمین فعالیت قانونی احزاب خود در راه نامتدمکراسی برای ترکیه از مهاجرت به کشور ما جعت می‌کردند، در فرودگاه آنکارا توسط ما مورین رژیم ترکیه با زدن تیر و زدن پستان گردیدند. علیرغم توطئه سکوتی که رژیم دیکتاتور ترکیه طی این مدت در راه بطع این بازداشت به عمل آورد، بسیاری از احزاب و محافل شخصیت‌ها از سران جهان در پییکار وسیع برای آزادی و دفاع از رهبران کمونیست ترکیه مشا رکت فعال داشتند. علاوه بر احزاب کمونیست و کارگری بسیاری از احزاب دموکرات و احزاب بورژوازی کشورهای اروپائی و حتی مقامات دولتی این کشورها به این کارزار پیوستند و خواهان آزادی آنان شدند.

ما گذشته رژیم ترکیه محاکمه رهبران کمونیست، به همراه تعداد دیگری از اعضای احزاب مزبور است. ناموس، دادستان دادگاه در کیفرخواست خود با ابراداتیها متعیده، برای آنان درخواست شد مجازات نموده است.

بسیاری از کولای مدافع و چهره‌های سرشناس ترکیه و دیگر کشورهایمان روزهای اول دستگیری اعلام کردند که دفاع از رهبران کمونیست ترکیه را به عهده می‌گیرند. تا کنون تعداد کولای مدافع در دادگاه به بیش از ۶۰۰ نفر رسیده است (در قرائن ترکیه دیکتاتور محودیتنی از نظر تعداد و کویل مدافع برای دفاع در دادگاه وجود ندارد). همزمان با محاکمه دهها هزار کارگر راجانجات در شهرهای آنکارا و استانبول و آدانا و کارگران نفت و پالایش و راه آهن برای دستیابی به خواستهای صنفی دست به اعتصاب و کمکاری زده اند. در طول چند ماه اخیر شما رکشیری از زندانیان سیاسی ترکیه برای بهبود وضع زندگی در زندان، دست به اعتصاب غذا زده اند. حمایت از مقامات زندانیان سیاسی ترکیه

به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم

هما نگونه که در "کار" فروردین ماه اعلام کردیم، ۷۰ تن از زندانیان سیاسی کشوردر بیدادگاهای رژیم به اعدام محکوم شده اند. در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۷ سخنگویان شورا عالی قضا بی درجریان یک برنامه تلویزیونی اعلام کردند که حکم اعدام ۲۷ تن از "ملحدین و تروریست‌ها" در قم موردا بی‌درکار گرفته و برای اجرا ابلاغ گردیده است. این خبر را دیوروزنامه‌های رژیم متعسف نکردند و ۱۰ روز پس از آن، رفیقان انوشیروان لطفی را همراهم ۲ مبارز دیگر از سازمان مجاهدین خلق ایران و اتحادیه کمونیست‌های ایران به جوخه اعدام سپردند. متعاقب این جنایت را دیوروزنامه‌های رژیم در ۲۴ تیرماه اعلام کردند که ۱۱ تن دیگر از انقلابیون سیرتیریران شده اند. رژیم خونخوار خمینی می‌خواهد بقیه این مبارزین را نیز در دسترسه جوخه‌های مرگ بسپارد. خطر تیریران تعداد دسته‌های دیگر از زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) با دیگر همه نیروهای آزادیخواه و سازمانهای انقلابی را به بیابان زره مشترک برای نجات جان این عزیزان در بند فرا می‌خواند. باید با تشدید کارزار اعتراضی در داخل کشور و سران جهان رژیم جمهوری اسلامی را ازادامه این جنایات بازداریم. ما از همه دولت‌ها، احزاب و مجامعی که برای آزادی و حقوق بشر احترام قائلند می‌خواهیم که رژیم کما بر ایران را برای قطع کشتار زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهند.

همزمان با این کشتار، از آسیا جالیهای رژیم خبری رسد که فاسد تیریران اسیرما تشدید شده است. در این اواخر زندان اوین تشدید شده است. این تیرین حقوق انسانی، زندانیان دست به اعتراض می‌زنند. جلادان رژیم در پاسخ به اعتراضات و ابتدائی ترین خواسته‌های آنان، به ضرب و شتمشان می‌پردازند، اکثر آنها را به سلسول انفرادی منتقل می‌کنند و ملاقات با خانواده‌ها یشان را قطع می‌کنند.

اکنون هزاران زندانی سیاسی در حالی که مدت محکومیشان به پایان رسیده، همچنان در زندان به سر می‌برند و بلا تکلیفند. برخی از آنها اکنون جبارسال است که کسی هیچ بهانه‌ای در زندان نگهداری می‌شوند. گزهمه‌های خمینی از آنها می‌خواهند که به جاسوسی و همکاری با مقامات امنیتی تن دهند و از مان‌ها و عقایدشان تبیری جویند. بدان غده سرخا اعلام شده است، تا زمانی که مسئولین زندان از توبه آنها عملا مطمئن نشوند، رنگ آزادی را هم نخواهند دید. مبارزینی که تنها "جرم" شان دگراندیشی و دفاع از حق و عدالت است، اسالیا با احکام غیرقانونی و غیرانسانی دادگاه‌های آخوندی، زندانیای مخوف رژیم را تحمل کرده اند و اینک بس از طی محکومیشان نیز ازادامی شوند. از انواده‌های این زندانیان می‌خواهیم تا مراجعه به ارگانهای مختلف و سازمانهای بین‌المللی، رژیم را برای آزادی بی‌درنگ درک فرزندان اسیران تحت فشار بگذارند و حقوق انسانی ازادبستن را برایشان تا مین کنند. از همه شخصیت‌ها و سازمان‌های آزادیخواه میهن مان دعوت می‌کنیم تا با اقدام مشترک و راه مشخصات این میهن برستان ازادبخواه به ما معین‌المللی و سازمانهای حقوق بشر، برای آزادی بی‌درنگ آنها تلاش کنند.

کده‌ها طرازا دادندیشی و عدالت خواهی در اسارت به سر می‌برند و نیز دادگاه رهبران کمونیست ترکیه که رژیم دیکتاتور ترکیه را به محاکمه می‌کنند، به مبارزات فشرده کارگران کا رخا نجات در هم می‌فکند.

بدنبال کودتای نظامی ۱۹۸۰ تا کنون، نمانندنگامی و غیرنظامی بورژوازی انحصاری چه‌بشوده‌آنگار و روشن و شیه‌فاسیستی و چه در پوش رژیم پارلمانی، زندگی سختی را بر مردم ترکیه و نیروهای سیاسی انقلابی و دمکرات ترکیه تحمیل کرده اند. بحران اقتصادی مالی و اداری ترکیه با قرض بیش از ۴۰ میلیارد دلار به ارج نیز بیشترین فشار را بر طبقات کم‌درآمد و بی‌بهره کارگران و کسانیکه در آستانه بستی دارند، وارد می‌کند. کاهش حجم مبادله تجاری ترکیه و ایران که برای ترکیه از اهمیت جدی برخوردار است، سبب ورشکسته شدن بسیاری از شرکت‌ها از جمله شرکت‌های حمل و نقل شده است. طی شش ماه اول سال جاری مسیحی قیمت‌های بخش اعظمی از کالاهای ضروری با ۳۰ تا ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است. ونرخ تورم واقعی به رقمی بالاتر از ۱۰۰ رسیده است. وضع نامسا من زندگی و معیشت، و تنها جرم رژیم بقیه در صفحه ۹

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!